

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة



جوانان عزیز،

دقایق معدود نماز را، فقط برای نماز بگذارید...

رهبر معظم انقلاب

تقدیم به:

مولود کعبه و اولین شهید محراب
امیرمؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام
و شهدای محراب انقلاب اسلامی ایران

* * *

چاپ این کتاب، بدون پرداخت حق التالیف
با همین شکل، برای تمامی ناشرین، نهادها
و مؤسسات آموزشی آزاد است؛ مشروط به این که
قیمت پشت جلد، کمتر از دو برابر
قیمت تمام شده باشد.

مؤلف: شیخ علی حبیبی - همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹

تَجْوِيدُ الصَّلَاةِ

آموزش

تجوید و تکریم

(سطح یک)

علی حبیبی

فهرست کتاب

۷	پیش گفتار
۱۰	سخنی چند با معلمین و علاقمندان تجوید قرآن کریم
۱۳	درس اول: ترتیل و تجوید قرآن کریم
۱۹	درس دوم: لحن عربی حرکات و حروف مدّی
۲۵	درس سوم: تلفظ حروف «۱» - (حاء، عین)
۳۱	درس چهارم: تلفظ حروف «۲» - (غین، واو، طاء)
۳۷	درس پنجم: تلفظ حروف «۳» - (ثاء، ذال، ظاء)
۴۳	درس ششم: تلفظ حروف «۴» - (ضاد، صاد)
۴۹	درس هفتم: مدّ وقصر «۱» - (مد متصل و منفصل)
۵۵	درس هشتم: مدّ وقصر «۲» - (مد لازم، عارض و لین)
۶۱	درس نهم: وقف و ابتداء «۱» - (اسکان و ابدال)
۶۷	درس دهم: وقف و ابتداء «۲» - (سکت و ابتداء)
۷۳	درس یازدهم: مُحسِّنات قرائت (لین، قلقله، غُنّه)
۷۹	درس دوازدهم: احکام نون ساکن و تنوین
۸۵	درس سیزدهم: احکام میم ساکن
۹۱	درس چهاردهم: خلاصه اذکار نماز

لزوم قرائت صحیح

به ترتیل زیبا، نمازت خوش است به تجوید آن، نیک و با ارزش است
به صحّت بخوان واژه‌های نماز که هر واژه دارای رمز است و راز
مبادا که رمزش مبدّل شود ذکات به معنای تسبیل شود
صَمَد بی‌نیاز است و از وصف حقّ زاوصافِ زیبای ربُّ الفلق
ولیکن سَمَد معنی‌اش دیگر است گهی نام سرگینِ گاو و خر است
بترس از خداوندیِ کردگار نمازت نباشد اهانت به یار
بیا همچو بلبلِ ثنائش بخوان بیا با نوای رسایش بخوان
اگر جغد و بومی غزلخوان شود تن حوریان سست و لرزان شود
قرائت به آهنگِ دلکشِ رواست چو فطرت به آهنگِ خوش آشناست
مراعات تجوید و ترتیل و نظم به دل می‌دهد شور و احساسِ بزم
بیا با نوایِ لطیف و حزین به آهنگِ زیبا و جان آفرین
به دل خشیت و خوف حق زنده کن پر از نور ایمان، بالنده کن
به آن، روح خود را صفایی ببخش به ذوق خدایی، نوایی ببخش
بهار دلت با قرائت شود پر از شور و عشق و طراوت شود
بهاران نه تنها به برگ و گل است به آوای قمری و هم بلبل است

توهم «واعظا» نیک و دلکش بخوان

چو مردان چالاک و بی‌غش بخوان

حسین رودگر (واعظ)

پیش‌گفتار

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾^(۱)

همانا نماز، به عنوان فریضه‌ای واجب، در اوقات مختلف شبانه روز، بر مؤمنان مقرر شده است.

نماز یکی از واجبات ضروری دین اسلام می‌باشد و بر هر زن و مرد مسلمانی که به سن تکلیف می‌رسند، واجب است در هر شبانه روز، هفده رکعت (در پنج وقت معین) نماز بگذارند.

در اهمّیت نماز، همین بس که پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «آن را پایه و اساس دین اسلام قرار داده است» و فرموده‌اند:

«اولین عملی که در روز قیامت در آن نگرسته می‌شود، نماز است، اگر صحیح و مورد قبول باشد در سایر اعمال نیز نگرسته می‌شود و اگر صحیح و مورد قبول واقع نشود، سایر اعمال نیز پذیرفته نخواهد شد.»^(۲)

درباره «نماز»، کتاب‌های مفید و ارزشمندی منتشر شده است.

۱ - سوره نساء، آیه ۱۰۳.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳ و ۲۲ (باب وجوب اتمام الصلوة، حدیث ۱۳ و ۱۰).

هدف ما در این نوشتار، تنها بررسی یکی از واجبات نماز، یعنی «تلفظ صحیح حمد و سوره و دیگر اذکار نماز» می باشد، چرا که همه فقهای بزرگوار، تلفظ صحیح حروف و حرکات را شرط صحت نماز دانسته اند:

«قرائت حمد و سوره و سایر اجزای نماز، باید به صورتِ عربی صحیح ادا شوند و افرادی که قرائت شان صحیح نمی باشد، بر آنها واجب است که قرائت صحیح را یاد بگیرند.»^(۱) و «در هنگام قرائت نماز، باید حروف از مخرجشان ادا شوند، در غیر این صورت، نماز باطل است»^(۲) و «اگر کسی عمداً به چیزی از کلمات یا حروف (حمد و سوره) خلل وارد کند، یا حرفی را به حرف دیگر تبدیل نماید، حتی «ضاد» را به «ظاء» یا بالعکس، نمازش باطل است و همچنین اگر اخلال در حرکت بنایی یا اعراب یا مدِّ واجب، یا تشدید و سکون لازم باشد و یا حرفی را از غیر مخرج، ادا کند به طوری که در عَرَف عرب از صدق آن حرف، بیرون رود، نماز باطل است»^(۳)

بر اساس فتاوی فوق، بر همه مسلمانان واجب است که نماز را به زبان عربی صحیح بخوانند و اگر در تلفظ کلمات «حمد و سوره و سایر اذکار» چه از نظر تلفظ حروف و یا حرکات و علامت های آن، مشکلی دارند، شرعاً بر آنها واجب است که به اصلاح قرائت خود بپردازند.

هدف ما در این نوشتار، بررسی و توضیح «قرائت صحیح قرآن و نماز» از نظر قرآن، روایات و فتوای مراجع بزرگوار تقلید می باشد؛ تا

۱ - ۳ - عروة الوثقی، کتاب الصلوة، فصل فی القراءة، مسأله ۳۷ و ۳۲.

قرائت قرآن و نمازمان را براساس آنها بسنجیم و اگر لازم بود به اصلاح آن پردازیم تا ان شاء الله مورد قبول درگاه خداوند متعال قرار گیرد.

برای آشنایی بهتر با «**قرائت صحیح قرآن و نماز**» مطالب این نوشته را به صورت درس، درس و همراه با تمرین براساس کاربرد آنها در اذان و اقامه و حمد و سوره آورده‌ایم تا عزیزان به یاری خداوند، راحت‌تر بتوانند به اصلاح قرائت خود پردازند.

آموزش این کتاب، برای افرادی مفید خواهد بود که با تلفظ صحیح کلمات و آیات قرآن کریم از نظر کتابت و علامت‌گذاری، کاملاً آشنا باشند و بتوانند قرآن را به صورت روان و بدون غلط بخوانند.

این کتاب در قالب ۱۴ درس و به گونه‌ای تنظیم شده که قابل استفاده برای عموم باشد و اضافه بر آن، سعی شده تا مکمل قسمت تجوید کتاب‌های اول تا سوم راهنمایی نیز باشد.

امید است، خداوند رحمان، این اثر ناچیز را به لطف و کرمش از ما پذیرا باشند و آن را مورد استفاده عموم مردم، قرار دهند.

و من الله التوفیق

۱۳ رجب ۱۴۲۷ هجری قمری

سالروز تولد با سعادت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام

قم - شیخ علی حبیبی

سخنی چند با معلمین و علاقمندان تجوید قرآن کریم

۱- مطالب این کتاب، برای افرادی است که به تازگی می‌خواهند با قواعد تجویدی آشنا شوند؛ از این رو معلمین عزیز، تنها به بیان و توضیح مطالب همین کتاب بپردازند و وقت خود را جهت تمرین بیشتر روی کلمات و آیات صرف کنند و از ذکر اصطلاحات و نکاتی که قابل فهم برای همه افراد کلاس نمی‌باشد جداً خودداری نمایند، چرا که بیان مطالب سنگین و غیر قابل فهم، حالت یأس و ناامیدی در فراگرفتن قواعد تجوید، برای علاقمندان به وجود خواهد آورد.

۲- هدف از فراگیری «قواعد تجوید»، تلفظ صحیح حروف و کلمات قرآن کریم می‌باشد و این مهم جز با دقت فراوان و تمرین بیشتر میسر نیست، از این رو معلمین ارجمند باید ساعاتی را جهت تمرین اختصاص دهند و تا تلفظ یک حرف و یا قاعده، به صورت کامل آموخته نشده، به آموزش درس دیگر مرتبه بالاتر، اقدام ننمایند.

۳- در تمرین‌ها و قرائت قرآن کریم، نخست از افراد کلاس بخواهید تا قرآن را با روش «تحقیق» بخوانند. روش تحقیق «قسم آهسته قرائت ترتیل» می‌باشد که از آن، جهت آموزش و همچنین تمرین و ریاضت زبان برای فراگیری و ادای صحیح قواعد تجویدی استفاده می‌شود.

۴- معلمین عزیز توجه دارند که آموزش تجوید قرآن کریم و رفع اشتباهات افراد کلاس، احتیاج به دقت و حوصله فراوان دارد، از این رو باید با راهنمایی و توضیح خود، در رفع اشکال آنها بکوشیم و برای این منظور عبور از مراحل سه‌گانه ذیل، الزامی می‌باشد.

الف: متعلمین پی به اشتباه خود ببرند؛

ب: نحوه تلفظ صحیح را از معلم بشنوند؛

ج: تمرین و ممارست لازم جهت تصحیح اشتباه خود بنمایند.

۵- یکی دیگر از روش‌های فراگیری قرائت قرآن کریم، «همه خوانی» می‌باشد، برای اجرای این شیوه، معلم بعد از تدریس هر قاعده، نخست کلمات و یا آیاتی را در رابطه با آن درس به صورت ساده و صحیح تلفظ می‌کند و به دنبال وی، افراد کلاس به همان سبک و روش تکرار می‌نمایند.

۶- جهت بالا بردن کیفیت آموزش تجوید، لازم است افراد کلاس به تمرین گروهی پردازند تا در ضمن آن، فراگرفته‌ها یادآوری شود.

۸- از ارکان اساسی فراگیری «تجوید»، تمرین فراوان زیر نظر معلمین می‌باشد. و جهت پیشرفت در امر یادگیری می‌توان از نوارهای صوت قرآن کریم اساتید مشهور استفاده نمود تا اضافه بر قواعد تجوید، با آهنگ دلپذیر قرآن نیز آشنا شوند.

نحوه استفاده از نوارهای آموزشی قرآن

برای بهره‌مندی بهتر از نوارهای قرآن، جهت حفظ و یا قرائت صحیح، پنج مرحله به شرح ذیل، بیان کرده‌اند:

۱- پخش آیات منتخب و گوش دادن همزمان با نگاه کردن به خط قرآن؛ در این مرحله باید به نحوه تلفظ حروف و حرکات، وقف و ابتدا، نظم و آهنگ قرائت، کاملاً توجه شود.

۲ - پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان با نوار، با صدای آهسته‌تر از نوار؛ در این مرحله، اضافه بر مراعات نکات مرحله قبل، قرآن آموز با صدای آهسته‌تر از نوار، همخوانی می‌کند.

۳ - پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان با همان آهنگ به صورت همخوانی.

۴ - همانند مرحله اول، به آیات منتخب گوش فرا می‌دهیم و در هنگام وقف، ایست نوار را می‌زنیم و مانند نوار می‌خوانیم و سپس به همین نحو ادامه می‌دهیم تا پایان آیات منتخب.

۵ - بدون پخش آیات، نخست خود آیات را همانند نوار می‌خوانیم و در هنگام وقف، به قرائت همان قسمت از نوار، گوش فرا می‌دهیم و دو قرائت را با هم مقایسه می‌کنیم، تا نکات ضعف خود را تشخیص و به اصلاح آنها پردازیم.

درس اول

ترتیل و تجوید قرآن کریم

یکی از واجبات نماز، «قرائت حمد و سوره» می‌باشد. از این رو نخست به بررسی «نحوه قرائت» از دیدگاه قرآن کریم می‌پردازیم. قرائت قرآن، بر اساس آیه شریفه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾^(۱) باید به صورت «ترتیل» باشد.

معنای ترتیل

«ترتیل»، در لغت به معنای «تنظیم و ترتیب موزون»، می‌باشد و در اصطلاح قرائت، عبارت است از «خواندن قرآن به صورت منظم و شمرده که حروف و کلمات صحیح ادا شوند، همراه با تدبیر در معانی آیات».

از امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روایتی به همین مضمون نقل گردیده است:

«الَّتَرْتِیلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ بَیَانُ الْحُرُوفِ»^(۲)

ترتیل عبارت است از: «انتخاب محل مناسب برای وقف کردن و تلفظ صحیح حروف».

بر اساس فرمایش مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام «اصول ترتیل»، دو چیز است:

۱ - سوره مزمل، آیه ۴.
۲ - تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۵ و بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳.

۱- «بیان الحروف»، حروف به صورت صحیح و آشکار بیان شوند.

۲- «حفظ الوقوف» انتخاب جای مناسب برای وقف کردن.

فرمایش حضرت علی علیه السلام در رابطه با معنای «ترتیل»، اختصاص به قرآن و زبان عربی ندارد، بلکه برای صحیح خوانی هر زبانی باید این دو اصل، رعایت گردد. نخست باید هر حرفی از جایگاه خودش و به صورت آشکار، تلفظ شود به ویژه حروفی که جایگاه مشترکی در دستگاه تکلم دارند تا تغییری در معنای کلمه ایجاد نگردد، در فارسی مانند:

توت = میوه ایست ریز و آبدار دود = جسم تیره رنگ شبیه به بخار

رزم = جنگ، پیکار، نبرد. رسم = شکلی که روی کاغذ بکشند

در عربی، مانند:

حمد = ستایش و سپاس همد = پوسیدن و پاره شدن

صمد = بی نیاز و بلند مرتبه سمد = متحیر شدن، مغرور شدن

اضافه بر تلفظ صحیح حروف و کلمات، باید جای مناسبی را نیز برای وقف کردن و نفس تازه کردن، انتخاب نمود تا تغییری در معنای کلام ایجاد نشود، ان شاء الله در مبحث وقف و ابتدا توضیح آن خواهد آمد.

یادسپاری: برای تحقق فرمایش حضرت علی علیه السلام، «علم تجوید»

برای «بیان حروف»، و «علم وقف و ابتدا» برای «حفظ وقوف»، تأسیس گردید تا با در نظر گرفتن اصول و ضوابط آنها، «قرائت ترتیل» تحقق یابد.

معنای تجوید

«تجوید»، در لغت به معنای «تحسین و نیکو ساختن» می باشد، و

در اصطلاح قرائت، عبارت است از: «تلفظ هر حرفی از مخرج آن، همراه با رعایت صفات ذاتی و اصلی حرف و احکامی که در ترکیب با حروف دیگر، ناشی می‌شود».

بنابراین، تجوید شامل سه بخش می‌باشد:

- ۱- آشنایی با مخرج حروف؛
- ۲- آشنایی با صفات ذاتی و اصلی حروف؛
- ۳- آشنایی با احکام حروف، (صفات عارضی و فرعی).

فایده علم تجوید

«حفظ و نگهداری زبان از اشتباه و خطا در قرائت قرآن کریم از نظر مخرج و صفات حروف» می‌باشد، در نتیجه کلام الهی همان گونه که در صدر اسلام خوانده و شنیده شده، قرائت می‌گردد و تغییری در معانی آیات پدید نخواهد آمد.

حکم شرعی فراگیری تجوید:

همه فقهای بزرگوار شیعه در این مسأله اتفاق نظر دارند که «ادای حروف از مخرج آنها به طوری که در عرف عرب، آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر، بر همه واجب است»^(۱) که شامل مخرج حروف و صفاتی است که حروف هم مخرج را از یکدیگر متمایز می‌سازد، اما در رابطه با رعایت صفات عارضی، (که بر اثر ترکیب حروف به وجود می‌آیند) اختلاف نظر وجود دارد و علاقمندان باید به فتوای مرجع تقلید خود مراجعه فرمایند.

۱- عروة الوثقی، احکام القراءه، مسأله ۳۷ و ۵۳.

قرائت با لحن عربی

شکی نیست که قرآن کریم به لغت عرب نازل گشته است.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^(۱)

اگر قرائت ترتیل، همراه با لحن عربی باشد، تأثیری فراوان در روح و روان آدمی خواهد داشت، چرا که یکی از معجزات قرآن، لحن و آهنگِ دلنشین آن می‌باشد، از این رو در روایات آمده است که قرآن را به صورتِ عربی آن، فرا بگیرید.

عَنْ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

«تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ»^(۲)

«اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحَنِ الْعَرَبِيِّ وَأَصْوَاتِهَا...»^(۳)

امام صادق از پدرانش عليهم السلام نقل می‌کند که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

فرموده است:

«قرآن را به صورت عربی آن فرا بگیرید.»

«قرآن را با آهنگ و لهجه عربی آن بخوانید.»

البته این در صورتی است که یادگیری قرآن با لحن عربی برای افراد غیر عرب، امکان‌پذیر باشد در غیر این صورت، همان قرائت معمولی از آنها پذیرفته خواهد شد.

۱ - سوره یوسف، آیه ۲، (همانا ما آن (کتاب) را به صورت قرآن (و به زبان) عربی فرو فرستادیم).

۲ - بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۱.

۳ - اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴، (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، حدیث ۳)

آشنایی بالحنِ عربی صدای حرکات و حروف مدّی، بسیار ساده و آسان است، چرا که مانند آنها در زبان فارسی نیز وجود دارد، از این رو نخست به بررسی آن می‌پردازیم.

حرکات

«حرکات» جمع «حرکت» می‌باشد و چون نامگذاری علامت‌های (ـَـ) براساس نوع حرکت لب‌ها در هنگام تلفظ بوده است، از این رو عنوان حرکت را برای آنها برگزیده‌اند.

این علامت « ـَـ » نشانگر حرکت «فَتْحَه» است، یعنی در هنگام تلفظ حروف با این علامت، لب‌ها یک بار حالت گشودن به خود می‌گیرند.

این علامت « ـِـ » نشانگر حرکت «کَسْرَه» است، یعنی در هنگام تلفظ حروف با این علامت، لب‌ها یک بار حالت شکستن به خود می‌گیرند.

این علامت « ـُـ » نشانگر حرکت «ضَمَّه» است، یعنی در هنگام تلفظ حروف با این علامت، لب‌ها یکبار حالت بهم پیوستن به خود می‌گیرند.

حروف همدی

هرگاه بعد از حرکات « ـَـ » حرف همجنس آنها قرار گیرند «اِیـُو» این حروف باعث دو برابر مدّ و کشش صدای حرکات خواهند شد، از این رو به آنها، «حروف مدّی» می‌گویند.

حروف، جمع حرف، به اعتبار این که به شکل حرف نوشته شده‌اند و مدّی به اعتبار این که این حروف «اِی و» باعث مدّ و کشش صدای قبل از خود می‌شوند.

در فارسی به مجموعه حرکات و حروف مدی، «صداها» گفته می‌شود و به دو دسته «صداهای کوتاه و کشیده» تقسیم می‌شوند. زمان تلفظ صدای کوتاه و کشیده، بستگی به نوع قرائت دارد، از این رو باتوجه به انواع قرائت (شمرده‌خوانی «تحقیق»، معمولی «تدویر»، تندخوانی «تحدیر»)، زمان تلفظ صدای کوتاه و کشیده (حرکات و حروف مدی) متفاوت خواهد بود. هر قرائتی باید صدای کوتاه و کشیده آن را نسبت به همان قرائت سنجید، زمان صدای کشیده باید دو برابر صدای کوتاه باشد، در زبان فارسی نیز چنین است. مانند:

«خَم، خَام» - «رَم، رَام» - «خَنَدان، خاندان».

و این نکته در قرائت قرآن نیز باید رعایت شود که إن شاء الله در درس آینده، بیشتر با آنها آشنا خواهیم شد.

«پرسش و تمرین»

- ۱- بر اساس آیه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾، قرائت باید چگونه باشد؟
- ۲- حضرت علی علیه السلام «قرائت ترتیل» را چگونه تفسیر فرمودند؟
- ۳- معنای لغوی و اصطلاحی تجوید را توضیح دهید.
- ۴- حکم شرعی فراگیری تجوید چیست؟
- ۵- فایده یادگیری علم تجوید چیست؟
- ۶- در فارسی به مجموعه «حرکات و حروف مدی»، چه می‌گویند؟

درس دوم

لحن عربی حرکات و حروف مدّی

□ حرکات

حرکات (صداها) مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش را در تلفظ صحیح کلمات و آیات قرآن کریم دارند.

حرکات (صداها) در زبان عرب، عبارتند از: **فتحه، کسره و ضمه**.
لحن عربی صدای فتحه بالحن صدای «أ» در زبان فارسی تفاوت چندانی ندارد، اما لحن عربی صدای کسره و ضمه بالحن فارسی صدای «إ» و «أ» کمی تفاوت دارند که به توضیح آنها می‌پردازیم.

لحن عربی صدای کسره

«کسره» به معنای «یک بار شکستن» می‌باشد.

«حرف دارای علامت کسره» را «مکسور» می‌گویند.

علت نام گذاری این علامت « » به کسره، این است که در هنگام تلفظ حرف مکسور، لب زیرین یک بار حالت شکستن به خود می‌گیرد.

لحن عربی صدای کسره، با صدای «إ» فارسی کمی تفاوت دارد، در عربی صدای کسره، متمایل به حرف «ياء» می‌باشد، (شبيهه صدای

«ای» فارسی امّا بدون کشش) چنین صدایی در بعضی از کلمات فارسی نیز وجود دارد، مانند: نیاز، ژیان، خیابان، ولی در عربی، همیشه صدای کسره، متمایل به حرف «یا» می باشد.

برای آشنایی بهتر، کافی است که صدای «ای» فارسی را بدون کشش تلفظ کنید، دقت بفرمایید:

ای بدون کشش ا

اکنون که با تلفظ صدای کسره عربی آشنا شدید، کلمات زیر را با لحن عربی بخوانید.

فیه - ولی دین - اقم - خسی - الی الیل - بسم
 رب - لم یلد - ربی - ملک - فی دین - الی اهلہ
 من شر - من الجنة - لربک - ترمیهم - بالدین

لحن عربی صدای ضمه

«ضمه» به معنای «یک بار به هم پیوستن» می باشد.

«حرف دارای علامت ضمه» را «مضموم» می گویند.

علت نام گذاری این علامت « » به ضمه، این است که در هنگام تلفظ حرف مضموم، لبها یک بار حالت به هم پیوستن به خود می گیرند.

لحن عربی صدای ضمه، با صدای «أ» فارسی کمی تفاوت دارد، در عربی صدای ضمه متمایل به حرف «واو» می باشد، (شبه صدای «او»)

فارسی امّا بدون کشش) چنین صدایی در بعضی از کلمات فارسی نیز وجود دارد، مانند: هَلُو، خُرُوس، بُلُوک، ولی در عربی همیشه صدای ضمّه، متمایل به «واو» می‌باشد.

برای آشنایی بهتر، کافی است که صدای «او» فارسی را بدون کشش تلفظ کنید، دقت بفرمایید:

او بدون کشش ا

اکنون که با تلفظ ضمّه عربی آشنا شدید، کلمات زیر را بالحن عربی، بخوانید:

أَشْهَدُ - كُتِبَ - قُلْ هُوَ - كَفُّوا - رَسُولُ
يَدْخُلُونَ - أَقْوَمٌ - رَبُّهُمْ - لَكُمْ دِينُكُمْ
زُرْتُمْ - مُسْتَقِيمٌ - وَأَمْرًا تَهُ - لَتُسْتَلَنَّ

□ حروف مدّی

«حروف مدّی» عبارتند از: «الف مدّی، یاء مدّی، واو مدّی».

لحن عربی صدای یاء و واو مدّی با صدای «ای» و «او» فارسی تفاوت چندانی ندارد، تنها تفاوت در لحن عربی صدای «الف مدّی» می‌باشد که به توضیح آن می‌پردازیم.

لحن عربی الف مدّی

در زبان عرب، هرگاه بعد از حرف مفتوح، الفی قرار بگیرد (ـا) این الف، باعث دو برابر مدّ و کشش صدای فتحه می‌شود، از این رو به آن «الف مدّی» می‌گویند.

صدای «الف مدّی» با صدای «آ» در فارسی یکسان نمی‌باشد، بلکه همان صدای فتحه است اما با کشش بیشتر.

برای آشنایی بهتر با صدای الف مدّی، کافی است نخست حرف مفتوحی را در نظر بگیرید، سپس صدای فتحه آن را دو برابر مدّ و کشش بدهید، دقت بفرمایید:

تَ با دو برابر مدّ و کشش صدای فتحه تَا^۱

اکنون که با تلفظ «الف مدّی» آشنا شدید، کلمات زیر را بالحن عربی بخوانید:

لَا^۲ إِلَهَ - مَالِكِ - إِيَّاكَ - رَبَّنَا اتِّنَا فِي الدُّنْيَا

فِي الْآخِرَةِ - بِرَبِّ النَّاسِ - أَبَابِيلَ - إِنَّ الْإِنْسَانَ

السَّلَامُ - لَشَرِيكَ لَهُ - بِاللَّهِ - وَبَرَكَاتِهِ

نکته: صدای الف مدّی نزد تمامی حروف، یکسان نمی‌باشد، بعد از هشت حرف «خ - ص - ض - ط - ظ - غ - ق - ر» به صورت «درشت و پر حجم»، (شبیبه صدای «آ» در زبان فارسی) و بعد از «بیست حرف»

۱ - از آنس بن مالک پرسیده شد که قرائت رسول خدا ﷺ چگونه بود؟ در جواب گفتند: قرائت آن حضرت با «مدّ» بود، سپس ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را قرائت کرد (و توضیح داد) مدّ می‌داد به ﴿اللَّهُ﴾ و مدّ می‌داد به ﴿الرَّحْمَنِ﴾ و مدّ می‌داد به ﴿الرَّحِيمِ﴾. مراد تلفظ حروف مدّی با دو برابر مدّ و کشش می‌باشد؛ امری که بیشتر مردم به خاطر عجله و شتاب در قرائت، به اندازه دو حرکت نمی‌آورند.
 (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۳۴ «فضائل القرآن، باب مدّ القراءه، حدیث ۱ و ۲».)
 ۲ - در قرآن‌های با رسم‌الخط فارسی، فتحه قبل از الف مدّی را به صورت ایستاده نوشته‌اند.

دیگر به صورت «نازک و کم حجم» ادا می‌شود، و این بدان علت است که الف مدّی از نظر حالتِ درشتی و نازکی، تابع حرفِ قبل از خود می‌باشد، حروفی که نازک و کم حجم تلفظ می‌گردند، الف مدّی بعد از آنها نیز نازک و کم حجم ادا می‌شود و حروفی که درشت و پر حجم تلفظ می‌گردند، الف مدّی بعد از آنها نیز درشت و پر حجم ادا می‌شود. برای آشنایی بهتر، به تلفظ دو حرف «تاء» و «طاء» در حالت مفتوح بودن، دقت بفرمایید:

حرف «تَ» به صورت نازک و کم حجم و حرف «طَ» به صورت درشت و پر حجم ادا می‌شوند، حال اگر بعد از این دو حرف، الفی قرار بگیرد، این الف باعث کشش دو برابر همان صدای قبل می‌شود، «تَا - طَا».

اکنون که با تلفظ «الف مدّی» بعد از هشت حرف (خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق، ر)^۱ آشنا شدید، کلمات زیر را با لحن عربی بخوانید.

قَامَتْ - غَاسِقٍ - ضَالِحَاتٍ - وَ مَا أَدْرِيكَ مَا الطَّارِقُ

وَ مَا ضَاحِكُكُمْ - أَبْصَارُهَا - خَالِدِينَ - فَطَافَ - لَأْ غَالِبَ

وَلَا الضَّالِّينَ - الشَّيْطَانَ - الْقَارِعَةَ - يَرْضَى - صِرَاطَ

پادسپاری: حرف «لام»، به صورت «نازک» تلفظ می‌شود و در نتیجه «الف مدّی» بعد از آن نیز به صورت «نازک» خوانده می‌شود، مانند:

۱ - هدف ما در این بحث، آشنایی با مخارج حروف نیست، بلکه آشنایی با لحن عربی الف مدّی می‌باشد که بعد از چه حروفی به صورت نازک و کم حجم و بعد از چه حروفی به صورت درشت و پر حجم ادا می‌شود.

إِلَهَ - لَا شَرِيكَ لَهُ - أَلَسَلَامُ - مَلَأَيْكَهُ - إِيْلَا فِهِمْ
 اما «لام» کلمه «الله» دارای قاعده خاصی است که به توضیح آن
 می پردازیم:

اگر قبل از «لام» کلمه «الله»، حرف «مفتوح یا مضموم» قرار گیرد،
 حرف «لام» آن به صورت «درشت» تلفظ می گردد و در نتیجه «الف
 مدی» بعد از آن نیز به صورت «درشت» خوانده می شود، مانند:

أَلَلَّهُ أَكْبَرُ - أَلَلَّهُمْ - هُوَ أَلَلَّهُ - مِنْ أَلَلَّهُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَلَلَّهُ - اتَّقُوا أَلَلَّهُ - نَارُ أَلَلَّهُ الْمُوَقَّدَةُ

اما اگر قبل از کلمه «الله»، حرف «مکسوری» باشد، حرف «لام» آن
 به صورت «نازک» تلفظ می گردد و در نتیجه «الف مدی» بعد از آن نیز به
 صورت «نازک» خوانده می شود، مانند:

بِأَلَلَّهُ - بِسْمِ أَلَلَّهُ - لِلَّهِ - فِي دِينِ أَلَلَّهُ - يَجِدِ أَلَلَّهُ

«پرسش و تمرین»

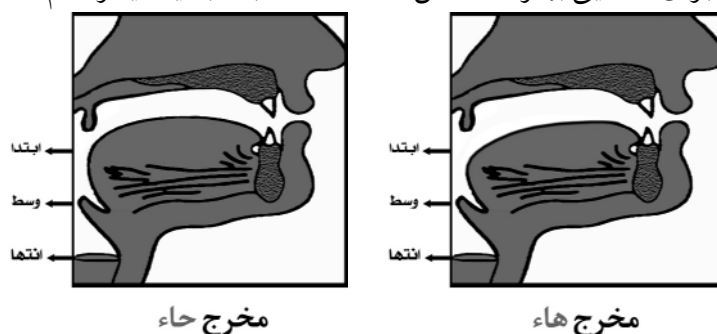
- ۱- تفاوت لحن عربی کسره و ضمه، با فارسی را توضیح دهید.
- ۲- الف مدی بعد از چه حروفی به صورت درشت تلفظ می شود؟
- ۳- «لام» کلمه «الله» چه موقعی درشت خوانده می شود؟
- ۴- سوره اخلاص و نصر را تلاوت و درشتی و نازکی الف مدی آن را
 مشخص فرمایید.

درس سوم:

تلفظ حروف «ا»

تلفظ حرف «حاء»

حرف «حاء» در فارسی، مانند حرف «هاء»، تلفظ می‌شود، اما در عربی از «وسط حلق و با حالت گرفتگی» ادا می‌گردد. برای آشنایی بهتر، شناختن تفاوت آن نسبت به یکدیگر لازم است.



جایگاه تلفظ حرف «هاء»، انتهای حلق (دورترین محلّ حلق به دهان) و در محلّ حنجره می‌باشد، هوای داخل شُش بدون این‌که فشاری به حنجره وارد کند به آسانی از دهان خارج می‌شود، مانند:

إِهْدِنَا - اللَّهُ - أَشْهَدُ - إِلَهَ - إِلَيْهِ - رَسُولُهُ

اما جایگاه تلفظ حرف «حاء»، وسط حلق می‌باشد، و در هنگام تلفظ آن، «دیواره‌های حلق به هم نزدیک شده و حالت انقباض پیدا می‌کند در نتیجه فضای حلق تنگ شده و هوای داخل ریه، با فشار از میان

آن خارج می‌شود و صدای آن با گرفتگی همراه می‌باشد»^۱.
 به این حالت «گرفتگی صدا» در تجوید، «بُحَّة» می‌گویند.
 و در صورت عدم رعایت آن، حرف «حاء»، مانند حرف «هاء» تلفظ خواهد شد.

لازم به یادسپاری است که در اجرای این حالت «بُحَّة»، نباید افراط کرد چراکه در این صورت، حرف «حاء» شبیه حرف «خاء» تلفظ خواهد شد، مانند:

الرَّحْمَنِ - الرَّحِيمِ - الْحَمْدُ - مُحَمَّدًا - سُبْحَانَ
 أَحَدٌ - حَسَنَةً - حَيٍّ - فَالاح - بِحَمْدِهِ
 الْحَلِيمِ - رَحْمَةً - حَاسِدٍ - حَسَدٌ - فَسَيِّئٌ

□ تمرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ
 اللَّهُ أَكْبَرُ - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - سُبْحَانَ اللَّهِ
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
 رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ - وَ رَحْمَةً اللَّهُ
 وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ - فَسَيِّئٌ بِحَمْدِ رَبِّكَ

۱ - مانند کسی که سینه خود را صاف می‌کند. و یا کسی که پوست تخمه در گلویش افتاده و می‌خواهد آن را به بیرون پرتاب کند.

چند نکته:

۱- مخرج حرف «هاء»، دورترین محل به دهان می‌باشد و تمامی صفات ضعیف حروف نیز، در آن جمع شده است؛ این امر باعث می‌شود تا به صورت ضعیف تلفظ شده و حالت مخفی بودن «خفاء»، به خود بگیرد، و این حالت در هنگام سکون، به‌ویژه وقتی که «های ساکن» در آخر کلمه باشد، نمود بیشتری پیدا می‌کند و اگر در تلفظ آن، دقت لازم، صورت نگیرد، اصلاً شنیده نمی‌شود، مانند:

أَهْوَى - إِهْدِنَا - إِلَّا اللَّهُ - لِشَرِيكَ لَهُ

لِمَنْ حَمِدَهُ - بِحَمْدِهِ - رَسُولُهُ - بَرَكَاتُهُ

از این رو لازم است با کمی فشار آوردن به انتهای حلق، حرف «های ساکن» را تقویت نمود تا از حالت مخفی بودن (خفای) کامل، بیرون بیاید و شنیده شود.

۲- بعضی افراد، برای شنیده شدن حرف «های ساکن»، فشار زیادی به حلق وارد می‌سازند و آن را شبیه حرف «حاء»، تلفظ می‌کنند، به این صورت:

أَخْدِنَا - بِحَمْدِخ - رَسُولِخ - بَرَكَاتِخ

و این، صحیح نمی‌باشد و طبق فتوای تمامی مراجع بزرگوار تقلید، «تبدیل حرفی به حرف دیگر، باعث بطلان نماز می‌شود»^(۱).

۱ - عروة الوثقی، کتاب الصلوة، فصل فی القراءة، مسأله ۳۷.

تلفظ حرف «عین»

حرف «عین» در فارسی مانند حرف «همزه (ء)» از انتهای حلق تلفظ می‌گردد، اما در عربی از «وسط حلق تلفظ شده و صدای آن در حال سکون، قدری کشیده می‌شود».

برای بهتر روشن شدن تفاوت آنها، تذکر یک نکته به عنوان مقدمه لازم است.

در هنگام تلفظ بعضی از حروف، نخست صدا در پشت مخرج آن، محبوس شده و انسداد کامل پیش می‌آید و با باز شدن ناگهانی اندام تولید، صوت با حالت «شبه انفجاری» به بیرون پرتاب می‌گردد، مانند حرف «قاف» در مثال «حَقُّ»، از این رو به این حروف، «حروف انفجاری» و یا «انسدادی» می‌گویند؛ به این حالت در تجوید، «صفت شدت» گفته می‌شود.

اما در هنگام تلفظ بعضی از حروف، صدا به صورت آزاد خارج می‌گردد و با حالت «سایشی» از میان مخرج آن، جریان پیدا می‌کند، مانند حرف «سین» در مثال «مَسَّ»، از این رو به این حروف، «حروف سایشی» می‌گویند، به این حالت در تجوید، «صفت رخاوه» گفته می‌شود.

بعضی دیگر از حروف، «حالت بینا بینی» دارند، در هنگام تلفظ آنها، صدا نه مانند «حروف انفجاری» در پشت مخرج حرف محبوس می‌گردد و نه مانند «حروف سایشی» به صورت آزاد جریان می‌یابد، بلکه حالت بینا بینی دارند، مانند حرف «لام» در مثال «اللَّهُ»؛ به این

حالت در تجوید، «صفت توسط» و یا «بین الشدّة و الرّخاوه» گفته می‌شود.

حال به تفاوت تلفظ «همزه» و «عین»^(۱) توجه فرمایید:
حرف «همزه» دارای «صفت شدت» می‌باشد، در هنگام تلفظ آن، صدا در انتهای حلق، پشت مخرج آن حبس شده و با آزاد شدن ناگهانی اندام تولید، با حالت «شبه انفجاری» به بیرون پرتاب می‌شود، مانند:

تَأْلُمُونَ - مَأْمُورٌ - أَلِيمٌ - أَمِينٌ - أَمَلٌ

اما حرف «عین» دارای «صفت توسط» می‌باشد، در هنگام تلفظ آن، صدا در پشت مخرج این حرف، حبس نمی‌شود و به صورت آزاد نیز جریان پیدا نمی‌کند بلکه حالت «بینابینی» دارد؛ به این صورت که دیواره‌های وسط حلق به هم نزدیک شده و فضای حلق تنگ و صدای این حرف در هنگام سکون، قدری کشیده می‌شود،^(۲) مانند:

تَعْلَمُونَ - مَعْمُورٌ - عَلِيمٌ - عَمِينٌ - عَمَلٌ

برای آشنایی بیشتر به مثال‌های زیر، توجه فرمایید:

عَلِيًّا - عَلِيٌّ - عَالَمِينَ - نَعْبُدُ - نَسْتَعِينُ - عَلَيْكُمْ

عَبْدُهُ - أَقْعُدُ - أَعْلَى - عَجَلٌ - عِبَادٍ - أَعْدَاءَهُمْ

عَلَيْنَا - سَمِعَ - شَفَاعَتَهُ - وَأَرْفَعُ - عَلَيْكَ

۱ - از تصاویر قبل برای بیان تفاوت آنها استفاده شود.

۲ - حرف «عین»، نرم‌تر از حرف «حاء» می‌باشد، برای این‌که تنگی دیواره‌های حلق در حرف «عین»، کمتر از حرف «حاء» است.

□ تمرین

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ - حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْأَعْمَلِ
 إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ - أَقُومُ وَ أَقْعُدُ
 سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ - وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ
 السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ - وَ أَلْعَنُ أَعْدَاءَهُمْ
 سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ - تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ أَرْفَعْ دَرَجَتَهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾
 وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾
 وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي ﴿٦﴾

«پرسش و تمرین»

- ۱ - تفاوت تلفظ حرف «حاء» و «هاء» را توضیح دهید.
- ۲ - حرف «عین»، چگونه تلفظ می شود؟ با ذکر مثال بیان کنید.
- ۳ - سوره «بلد» را تلاوت و در تلفظ حروف درس دقت فرمایید.

درس چهارم:

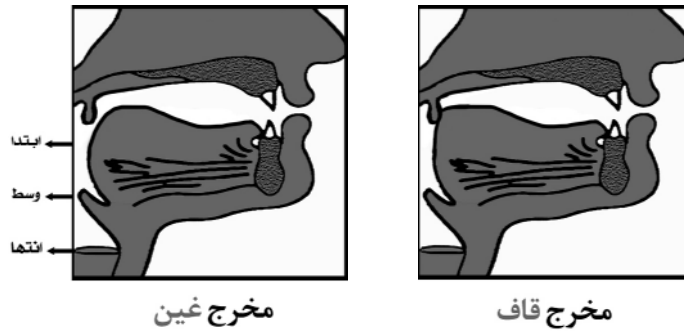
تلفظ حروف «۴»

تلفظ حرف «غین»

حرف «غین» در فارسی مانند حرف «قاف» تلفظ می‌شود، اما در عربی از همان محلّ تلفظ حرف «خاء» یعنی «ابتدای حلق ادا می‌گردد ولی صدای آن نرم و کشیده» می‌باشد.

لازم به یادسپاری است که مخرج دو حرف «غین» و «قاف» بسیار نزدیک به هم می‌باشند و چنانچه دقت لازم در تلفظ حرف «غین» صورت نگیرد، همانند حرف «قاف» تلفظ خواهد شد.

حال به تفاوت تلفظ «قاف» و «غین»، توجه فرمایید:



در هنگام تلفظ حرف «قاف»، انتها و ریشهٔ زبان بالا رفته و با ابتدای زبان کوچک که در مرز بین حلق و دهان است متصل می‌شود و سپس به صورت ناگهانی از یکدیگر جدا و صدای حرف، تولید می‌شود، از این رو

حرف «قاف» از حروف انفجاری بوده و دارای «صفت شدت» می باشد. اما جایگاه حرف «غین» ابتدای حلق (نزدیکترین محل حلق به دهان) است. در هنگام تلفظ حرف «غین»، «انتها و ریشه زبان بالا رفته و به زبان کوچک نزدیک و صدا از میان ابتدای حلق و زبان کوچک به صورت آزاد و با حالت «سایشی» خارج می شود»، از این رو حرف «غین» از حروف سایشی بوده و دارای «صفت رخوت» می باشد. صدای «غین» نرم بوده و در مخرج خود کشیده می شود، همانند صدای «غرغره آب در گلو» مانند:

«أَقْنِي - أَعْنِي» - «قَدَّ - عَدَّ» - «قَلَّ - عَلَّ»
 غَيْرٍ - أَسْتَعْفِرُ - أَعْفِرُ - لَا تُزِعْ - غَاسِقٍ
 لَا يُعْنِي - أَسْتَعْنِي - فَرَعَتَ - فَارَعَبَ - فَأَعْنِي

□ تمرین

أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ - اللَّهُمَّ أَعْفِرْ لِي
 لَا يُسْمِنُ وَلَا يُعْنِي مِنْ جُوعٍ - وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْعَبْ
 مَا أَعْنِي عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ - وَ وَجَدَكَ غَائِلًا فَأَعْنِي
 فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ أَسْتَعْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا
 رَبَّنَا امَّا فَاعْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا وَ اَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

تلفظ حرف «واو»

تلفظ حرف «واو» در فارسی با عربی، کمی تفاوت دارد و عدم تلفظ آن به صورت عربی، باعث تغییر در معنای کلام و بطلان نماز نمی شود، با این حال نحوه تلفظ آن را یادآور می شویم تا نمازگزاران عزیز، نماز خود را با قرائت عربی فصیح به انجام رسانند.

حرف «واو» در فارسی از برخورد دندان‌های پیشین بالا با لب پایین تلفظ می شود، اما در عربی بدون دخالت دندان‌ها، «لب‌ها (مانند تلفظ صدای «او» در فارسی) به حالت گرد و پیوسته در می آیند و این حرف از میان لب‌ها تلفظ می گردد»، مانند:

وَلِيٌّ - هُوَ - وَ لَمْ يُؤَلِّدْ - كُفُّوا - وَحَدَّهُ

بِحَوْلٍ - وَ قُوَّتِهِ - يَوْمٍ - وَالِ - وَ رَسُوْلُهُ

□ **تمرین**

أَشْهَدُ أَنْ عَلَيَّا وَ لِيَّ اللَّهُ - قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
 لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُؤَلِّدْ - وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحَدَّهُ لَأَشْرِيكَ لَهُ
 بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقَوْمٌ وَ أَقْعُدْ - وَ أَلِ مُحَمَّدٌ
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ
 أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ
 أَلْسَلَامٌ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ - مَا لِكَ يَوْمِ الدِّينِ

تلفظ حرف «طاء»

حرف «طاء» در فارسی مانند حرف «تاء» تلفظ می‌شود، اما در عربی برای تلفظ حرف «طاء»، «ریشهٔ زبان به طرفِ بالا متمایل می‌گردد و همزمان، سطح زبان با کام بالا حالت «انطباق» به خود می‌گیرد»، در نتیجه این حرف به صورت درشت و پرحجم ادا می‌شود.

توضیح بیشتر:

قبل از بررسی تفاوت آنها، نخست لازم است با صفات «استعلاء» و «استفال»، آشنا شویم.

«استعلاء»، یعنی: «بالا آمدن ریشهٔ زبان به طرف کام بالا در هنگام تلفظ حرف»؛ در اثر صفت استعلاء، حجم دستگاه تکلم افزایش یافته و در نتیجه حرف، درشت و پرحجم می‌شود.

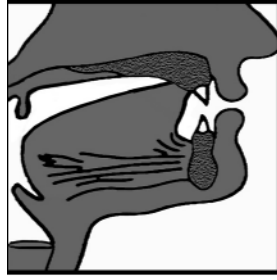
هفت حرف «خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق»، دارای «صفت استعلاء» می‌باشند.

«استفال»، یعنی: «پایین آمدن ریشهٔ زبان به طرف کام پایین در هنگام تلفظ حرف»؛ در اثر صفت استفال، حجم دستگاه تکلم کاهش یافته و در نتیجه، حرف نازک و کم حجم تلفظ می‌شود.

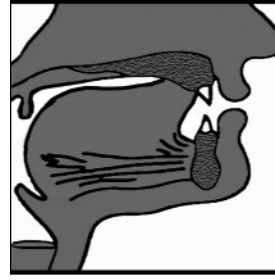
«بقیه حروف»، دارای «صفت استفال» می‌باشند.

حال به تفاوت تلفظ «تاء و طاء» توجه فرمایید:

حرف «تاء و طاء» هم مخرج بوده و در هنگام تلفظ آنها قسمت جلوی روی سر زبان بالا رفته و با بخش انتهایی لثهٔ دندان ثنایا و ابتدای برآمدگی کام بالا متصل می‌شود (هوا در پشت این مانع حبس) و سپس به صورت ناگهانی از یکدیگر جدا و این دو حرف تولید می‌شوند، با این تفاوت که در هنگام تلفظ حرف «تاء»، ریشهٔ زبان، پایین آمده (استفال) و



مخرج تاء



مخرج طاء

سطح زبان نیز از کام بالا جدا (انفتاح) خواهد بود در نتیجه حجم دستگاہ تکلم کاهش یافته و حرف «تاء» به صورت نازک و کم حجم ادا می شود، ولی در هنگام تلفظ حرف «طاء»، «همزمان ریشهٔ زبان، بالا رفته (استعلاء) و سطح زبان نیز با کام بالا حالت «اطباق» به خود می گیرد، در نتیجه حجم دستگاہ تکلم افزایش یافته و حرف «طاء» به صورت درشت و پر حجم ادا می گردد».

«تَابَ - طَابَ» - «قَانَتَيْنِ - قَانِطَيْنِ»

الشَّيْطَانِ - مَطَّلَعِ - الْمُعْطِينَ - يُطْعَمُونَ - بَطْشِ

عَطَاءً - مُطَهَّرَةً - لِلْمُطَفِّفِينَ - طَبَقًا - الطَّارِقِ - حَطَبِ

□ تمرین

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَّلَعِ الْفَجْرِ - يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ
جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا - مَرْفُوعَةً مُطَهَّرَةً
وَ مَا هُوَ يَقُولِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ - وَيَلُ لِلْمُطَفِّفِينَ
لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ - إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَ مَا أَدْرِيكَ مَا الطَّارِقُ - أَعْطَيْنَاكَ
 وَ أَمْرَأَتَهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ - وَ مَا أَدْرِيكَ مَا الْحَطَمَةُ
 وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَيَّ حُبِّيهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
 يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
 وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا
 كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَ أَمْرَأَتُهُ
 حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾

«پرسش و تمرین»

- ۱- نحوه تلفظ دو حرف «قاف و غین» را توضیح دهید.
- ۲- نحوه تلفظ حرف «واو» را با ذکر مثال بیان کنید.
- ۳- تفاوت تلفظ حرف «طاء» با «تاء» را با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۴- سوره «لیل» را تلاوت و در تلفظ حروف درس، دقت فرمایید.

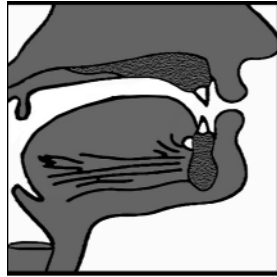
درس پنجم:

تلفظ حروف ۳

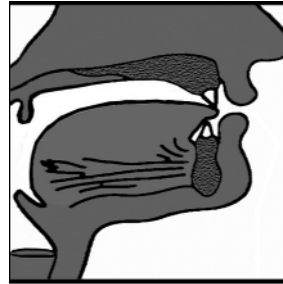
تلفظ حرف «ثاء»

حرف «ثاء» در قرائت و اذکار واجب نماز، وجود ندارد، اما در سوره‌های کوتاه و اذکار مستحبی نماز به وفور دیده می‌شود، از این رو برای آشنایی بهتر با این حرف، و تکمیل مبحث حروفی که در عربی با فارسی تفاوت دارند، آن را متذکر می‌شویم.

حرف «ثاء» در فارسی مانند حرف «سین»، تلفظ می‌شود، اما در عربی «از برخورد نوک زبان به سر دندان‌های پیشین بالا و با حالت دمیدگی ادا می‌شود».



مخرج سین



مخرج ثاء

لازم به یادسپاری است که مخرج دو حرف «سین» و «ثاء» بسیار نزدیک به هم می‌باشند و چنانچه دقت لازم در تلفظ حرف «ثاء» صورت نگیرد، همانند حرف «سین» تلفظ خواهد شد. حال به تفاوت تلفظ

«سین» و «ثاء» توجه فرماید:

برای تلفظ حرف «سین» بخش جلوی سطح زبان به سطح صاف پشت لثه دندان‌های پیشین بالا نزدیک شده و با عبور هوا از این شکاف و مجرای باریک ادا می‌گردد، از این رو حرف «سین» دارای صفت «صغیر» می‌باشد.

«صغیر»، صدای سوت ماندی است که در هنگام تلفظ سه حرف

«ز، س، ص» شنیده می‌شود.

لازم به یادسپاری است که در هنگام تلفظ حرف «سین»، نوک زبان به ابتدای لثه دندان پیشین پایین می‌چسبد، ولی حرف «ثاء»، «از برخورد نوک زبان به سر دندان‌های پیشین بالا و دمیدن هوا از فاصله بین آنها ادا می‌شود»، از این رو حرف «ثاء» دارای صفت «نَفْث» می‌باشد.

«نَفْث» به معنای «دمیدن از سر زبان» می‌باشد. مانند:

«إِسْمٌ - إِنْثٌ» - «يَلْبَسُونَ - يَلْبَسُونَ»

تَبَيْتٌ - نَفَاثَاتٍ - كَوْثَرٌ - نَقَلْتُ - أَثْقَالَهَا - حَدِيثٌ
مَشْنَى - تُحَدِّثُ - ثَمُودٌ - ثَلَاثَةٌ - التَّكَاثُرُ - بُعِثَتْ

□ تمرین

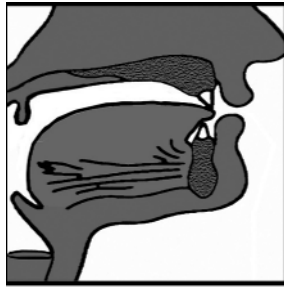
وَمِنْ شَرِّ النَّفَاثَاتِ فِي الْعُقَدِ - إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ - ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ
يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ - أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ - فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى
بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا - وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ - النَّجْمُ الثَّاقِبُ
هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ - فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ - فَأَمَّا مَنْ نَقَلَتْ مَوَازِينُهُ
مَشْنَى وَثَلَاثَ - وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ أَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ

تلفظ حرف «ذال»

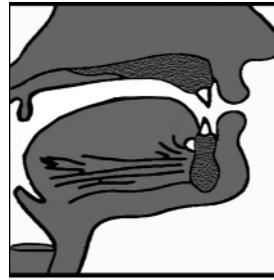
حرف «ذال» در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود، اما در عربی، حرف «ذال»، «از برخورد نوک زبان به سر دندان‌های پیشین بالا و به صورت نازک و کم حجم ادا می‌گردد».

لازم به یادسپاری است که مخرج دو حرف «ذال» و «زاء» بسیار نزدیک به هم می‌باشند و چنانچه دقت لازم در تلفظ حرف «ذال»، صورت نگیرد، همانند حرف «زاء»، تلفظ خواهد شد.

حال به تفاوت تلفظ «زاء» و «ذال» توجه فرمایید:



مخرج ذال



مخرج زاء

برای تلفظ حرف «زاء»، بخش جلوی سطح زبان به سطح صاف پشت لثه دندان‌های پیشین بالا نزدیک شده و با عبور هوا از این شکاف و مجرای باریک ادا می‌گردد، از این رو حرف «زاء»، مانند حرف «سین» دارای «صفت صغیر» می‌باشد.

لازم به یادسپاری است که در هنگام تلفظ حرف «زاء»، مانند حرف «سین»، نوک زبان به ابتدای لثه دندان پیشین پایین می‌چسبد، ولی در هنگام ادای حرف «ذال»، «نوک زبان با سر دندان‌های پیشین بالا تماس

می‌گیرد و با عبور هوا از فاصله بین آنها به صورت نازک و کم حجم ادا می‌شود».

در برخورد نوک زبان باید دقت نمود که نوک زبان بالئه بالا برخورد نکند، مانند:

«ذُرْعًا - زُرْعًا» - «ذَكِيٌّ - زَكِيٌّ»
 «أَعُوذُ - عَذَابَ - الَّذِينَ - كَذَلِكَ - ذُرِّيَّةُ»
 «فَذَكِّرْ - بِأَذْنِ - سَيِّدِّكَرُّ - إِذْ ذَهَبَ»

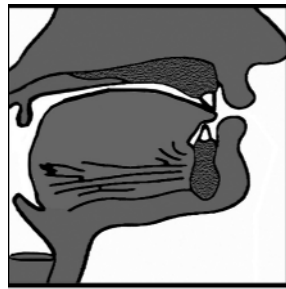
□ تمرین

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ - وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ
 أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى - كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي
 رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ
 أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ - فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ أَلْيَتِيهِمْ
 تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِأَذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ
 فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى - سَيِّدِّكَرُّ مَنْ يَخْشَى
 فَيَوْمِئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ - وَ ذَاالتُّونِ إِذْ ذَهَبَ

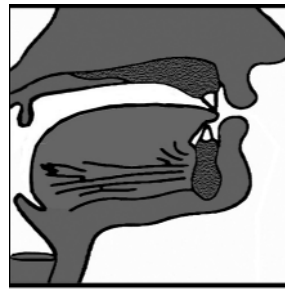
تلفظ حرف «ظاء»

حرف «ظاء» در اذکار واجب نماز نیامده است و تنها در ذکر رکوع «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» آمده است که به جای آن می‌توان سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» گفت، ولی با توجه به آمدن آن در اذکار مستحبی و

لزوم تمایز بین دو حرف «ضاد» و «ظاء» در قرائت نماز، تلفظ آن را توضیح می‌دهیم.



مخرج ظاء



مخرج ذال

حرف «ظاء» در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود، اما در عربی همانند حرف «ذال»، «از برخورد نوک زبان به سردندان‌های پیشین بالا ادا می‌گردد» با این تفاوت که حرف «ذال» به صورت نازک و کم حجم ولی حرف «ظاء» به علت انطباق سطح زبان با سقف دهان و بالا آمدن ریشه زبان، به صورت درشت و پرحجم ادا می‌گردد، مانند:

«مُنْذِرِينَ - مُنْظِرِينَ»، «مَحْدُورًا - مَحْظُورًا»
عَظِيمٍ - فَظَنٌّ - فِي الظُّلُمَاتِ - مِنَ الظَّالِمِينَ
ظَلَمْنَا - الْعَظِيمِ - ظَهَرَكَ - حَافِظٌ - فَلْيَنْظُرْ

□ تمرین

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ - رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا فَأَعْفُوْنَا
فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيهَا حَافِظٌ - فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ
فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ
أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ - لِيَوْمٍ عَظِيمٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهَيْكَلُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ
تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ
عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوْهَا
عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ
شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي
الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

«پرسش و تمرین»

- ۱- تفاوت تلفظ دو حرف «ثاء» و «ذال» را با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۲- تفاوت تلفظ دو حرف «ذال» و «ظاء» را با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۳- سوره «فجر» را تلاوت و در تلفظ حروف درس، دقت فرمایید.

درس ششم

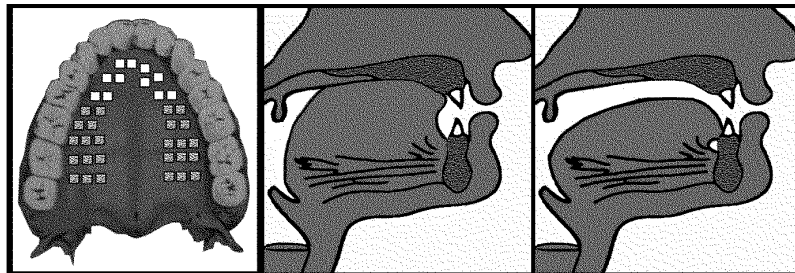
تلفظ حروف ۴

تلفظ حرف «ضاد»

حرف «ضاد» در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود، اما در عربی «از برخورد تدریجی کناره زبان با دندان‌های آسیای بالا (از هر طرف که آسان‌تر باشد) و جریان صوت از میان آنها ایجاد می‌گردد» و باید آن را درشت و پرحجم ادا کرد.

توضیح بیشتر:

قبلاً متذکر شدیم که برای تلفظ حرف «زاء»، بخش جلوی سطح زبان به سطح صاف پشت لثه دندان‌های پیشین بالا نزدیک شده و با عبور هوا از این شکاف و مجرای باریک ادا می‌گردد ولی حرف «ضاد»، از تماس تدریجی بخش اعظم کناره زبان (در طرف چپ یا راست) با دندان‌های آسیای بالا در همان طرف، و جریان صوت



محل برخورد و جدا شدن زبان

مخرج ضاد

مخرج زاء

از میان آنها ایجاد می‌شود. اضافه بر آن در هنگام تلفظ حرف «زاء»، سطح زبان از سقف دهان جدا بوده و ریشهٔ زبان نیز پایین می‌باشد و این حرف به صورت نازک و کم حجم ادا می‌گردد، اما در هنگام تلفظ حرف «ضاد»، «سطح زبان با سقف دهان منطبق شده و ریشهٔ زبان نیز به طرف کام بالا رفته و همزمان کنارهٔ زبان (از ابتدا تا انتها) به تدریج با دندان‌های آسیای بالا برخورد و جدا می‌شود»، و این حرف به صورت درشت و پر حجم ادا می‌گردد، مانند:

مَعْضُوبٍ - وَلَا الضَّالِّينَ - مُغَاضِبًا - الضَّعِيفِ
يَحُضُّ - رَاضِيَةً - ضَبْحًا - وَضَعْنَا - وَالضُّحَى
رَضِيَ - تَخَاضَعُونَ - ضُحَيْهَا - أَحْضَرْتُ - قَضَبًا

□ تمرین

غَيْرِ الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ - وَالضُّحَى
وَ ذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا - فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ
يَا طَيْفُ أَرْحَمِ عَبْدِكَ الضَّعِيفِ - وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا
وَ لَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ - وَضَعْنَا عَنْكَ وَزَرَكَ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ - عَلِمْتُ نَفْسَ مَا أَحْضَرْتُ
وَ لَا تَخَاضَعُونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ - وَالشَّمْسِ وَضُحَيْهَا
ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا - فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا - وَ عِنَبًا وَ قَضَبًا

یادسپاری: به علت شباهت دو حرف «ضاد» با «ظاء» در تلفظ، با توجه به این که هر دو به صورت درشت و پرحجم ادا می شوند باید دقت نمود تا هر حرف، درست از مخرج خود ادا شده و از یکدیگر تمیز داده شوند. حرف «ضاد» اضافه بر تفاوت در مخرج با حرف «ظاء»، دارای صفت «استطاله» است و در هنگام تلفظ آن، «صدای حرف در فاصله میان ابتدا و انتهای کناره زبان و دندان‌های آسیا امتداد می‌یابد» (به این حالت «استطاله» می‌گویند)، و این امر باعث می‌شود تا سهم زمانی تلفظ حرف «ضاء»، بیشتر از حرف «ظاء» باشد و به صورت نرم‌تر نیز ادا شود، مانند:

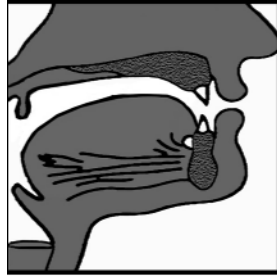
«ضَلَّ - ظَلَّ» - «نَضْرَةٌ - نَظْرَةٌ» - «نَاضِرَةٌ - نَاطِرَةٌ»
 يُعْضُ الظَّالِمُ - بَعْضُ الظَّالِمِينَ - بَعْضَ الظَّنِّ
 انْقَضَ ظَهْرُكَ - مُغَاضِبًا فَظَنًّا - لِبَعْضِ ظَهِيرًا

□ تمرین

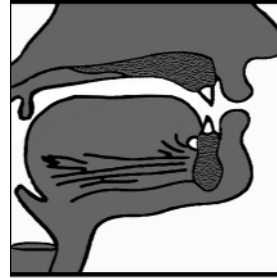
وَ ذَا اللُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ
 وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ - الَّذِي انْقَضَ ظَهْرُكَ - وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ
 بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا
 وَ لَا حَبَّةَ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ - وَ لَا تَرِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَالًّا
 إِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ اللَّهُ وَلىُّ الْمُتَّقِينَ

تلفظ حرف «صاد»

حرف «صاد» در فارسی مانند حرف «سین» تلفظ می‌شود، اما در عربی برای تلفظ حرف «صاد»، «ریشهٔ زبان به طرف بالا متمایل می‌گردد، و همزمان سطح زبان نیز با کام بالا حالت «انطباق» به خود می‌گیرد»، در نتیجه این حرف به صورت درشت و پرحجم ادا می‌شود.

توضیح بیشتر:

مخرج سین



مخرج صاد

حرف «سین» و «صاد» هم مخرج بوده و در هنگام تلفظ آنها، بخش جلوی سطح زبان به صورت شیار به سطح صاف پشت لثهٔ دندان‌های ثنایای بالا نزدیک شده و با عبور هوا از این شکاف و مجرای باریک، این دو حرف، ادا می‌گردند؛ با این تفاوت که در هنگام تلفظ حرف «صاد» «ریشهٔ زبان به طرف بالا متمایل می‌گردد (استعلاء) و همزمان، سطح زبان نیز بالا رفته و با کام بالا، حالت «انطباق» به خود می‌گیرد»، در نتیجه حجم دستگاه تکلم افزایش یافته و این حرف به صورت درشت و پرحجم تلفظ می‌شود.

لازم به یادسپاری است که در هنگام تلفظ دو حرف «سین» و «صاد»، تیزی سر زبان، پایین آمده و به ابتدای لثهٔ دندان ثنایای پایین

متصل می‌شود و کناره‌های زبان نیز به دندان‌های آسیای بالا می‌چسبند، در نتیجه راه خروج هوا از کناره‌های زبان به کلی بسته می‌شود و تنها راه خروج هوا، مجرای تنگ بین شیار وسط زبان و برجستگی لثه دندان ثنایای بالا می‌باشد در این صورت، خروج هوا با سایش و فشار فراوان همراه خواهد شد، (صدای سوت مانند «صفیر» که در هنگام تلفظ این دو حرف شنیده می‌شود ناشی از همین حالت می‌باشد) مانند:

«نَسَبًا - نَصَبًا» - «عَسَى - عَضَى»

صَلُوة - الصَّمَدُ - صَلِّ - الصَّالِحِينَ - صِدْقٍ

بِأَصْحَابِ - الصَّالِحَاتِ - وَتَوَاصَوْا - الصُّدُورِ

□ تمرین

حَى عَلَى الصَّلُوةِ - قَدْ قَامَتِ الصَّلُوةُ
 اللَّهُ الصَّمَدُ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
 رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
 أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
 أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
 رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَيَّنْ أَقْدَامَنَا وَأَنْصُرْنَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصُّحُفِ ﴿١﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ﴿٣﴾
 وَاللَّآخِرَةَ خَيْرَ لَكَ مِنَ الْأُولَى ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
 فَتَرْضَى ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا
 فَهَدَى ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿٨﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
 ﴿٩﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ الَّذِي
 أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ
 مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

«پرسش و تمرین»

- ۱- نحوه تلفظ حرف «ضاد» را با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۲- حرف «ضاد» چه تفاوتی با حرف «ظاء» دارد؟
- ۳- چه تفاوتی در ادای حرف «صاد» با «سین» وجود دارد؟
- ۴- سوره «غاشیه» تلاوت نموده و در تلفظ حرف دقت فرمایید.

درس هفتم:

مدّ و قصر «ا»

مبحث «مدّ و قصر» یکی از مباحث بسیار مهم در «علم قرائت و تجوید» می‌باشد و اهمّیت آن در قرائت قرآن کریم، کمتر از حرکات و سایر علامت‌ها نمی‌باشد، به طوری که خلیل بن احمد فراهیدی (متوفای سال ۱۷۰ هجری) همزمان با اصلاح و تکمیل علامت‌های قرآن، علامت خاصی «کَ» را برای «مدّ» وضع نمود تا راهنمای قاری برای «مدّ و کشش بیشتر حروف مدّی» باشد.

برای بهتر روشن شدن اهمّیت «مدّ» در قرائت قرآن کریم، نخست به بررسی جایگاه آن در روایات اسلامی و فتاوی فقهای بزرگوار شیعه می‌پردازیم.

جایگاه مدّ در روایات اسلامی

ثقة الاسلام کلینی در کتاب فروع کافی از محمد بن جعفر و او از پدرش امام جعفر صادق ع و آن حضرت از پیامبر خدا ص نقل می‌کند که حضرتش درباره پرستو و چلچله نیک سفارش فرمودند، چرا که آنها مأنوس‌ترین پرندگان نسبت به مردم می‌باشند، سپس فرمودند: آیا

می دانید وقتی که می گذرند و آواز می خوانند چه می گویند؟
 می گویند: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...﴾ تا
 أم الكتاب (یعنی سوره حمد) را خواند و هنگامی که آخر آوازش می رسد
 می گوید: ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾، (سپس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایشاتش
 فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم صدایش را در ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ مدّ می داده
 است. ^(۱)

ابن الجری در کتاب النّشر فی قراءات العشر آورده است: مردی نزد
 ابن مسعود قرآن می خواند (تا از صحّت قرائت خود مطمئن شود) هنگام
 قرائت ﴿أَنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ﴾ ^(۲) آن را بدون مدّ خواند،
 ابن مسعود گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای من چنین نخوانده است!
 آن مرد پرسید، آن حضرت برای شما چگونه خوانده است، ای ابا
 عبد الرحمان؟

ابن مسعود در جوابش گفتند: آن حضرت برای من این گونه خوانده
 است ﴿أَنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ﴾ و آن را (یعنی کلمه ﴿فقراء﴾
 را)، «مدّ» داد. ^(۳)

جایگاه مدّ در فتاوی فقهای شیعه

فتاوی فقهای بزرگوار شیعه در رابطه با «مدّ» مختلف است.
 بعضی فتوا به «وجوب» مدّ متصل و لازم داده اند. ^(۴)

۱- فروع کافی، جلد ۶، صفحه ۲۲۳ (کتاب الصيد، باب الخطاف، حدیث ۳).

۲- سوره توبه، آیه ۶۰.

۳- النّشر فی قراءات العشر، ج ۱، ص ۳۱۵.

۴- رساله عملیه حضرت آیت الله بهجت، مسأله ۸۲۵.

گروهی دیگر رعایت مدّ متّصل را «احتیاط مستحبّ» و به مدّ لازم فتوای «وجوب» داده‌اند.^(۱)

و بعضی دیگر فرموده‌اند: «بهر آن است که بامدّ خوانده شود».^(۲)
و گروهی دیگر قائل به تفصیل شده‌اند، مدّ متصل را «احتیاط مستحبّ» و مدّ لازم را «احتیاط واجب» دانسته‌اند.^(۳)

با توجه به مطالب ذکر شده، شکی باقی نمی‌ماند که مسأله «مدّ فرعی»، از صدر اسلام تاکنون در قرائت قرآن کریم مطرح بوده است، از این رو عقل سلیم حکم می‌کند در مواردی که «مدّ فرعی» نزد علمای قرائت و تجوید «اجماعی» است، از باب «احتیاط» از مقدار طبیعی، بیشتر مدّ داده شود تا اگر واقعیتی به نام «مدّ فرعی» وجود داشت، انسان به وظیفه شرعی خود عمل کرده باشد و قرائت قرآن کریم و نماز او بدون اشکال باشد به خصوص در رابطه با «مدّ لازم» که هم روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده و هم علمای قرائت و ادبیات عرب نیز آن را لازم دانسته‌اند؛ و هم بعضی از فقها فتوا به وجوب آن داده‌اند.

مدّ و قصر

«مدّ»، در لغت به معنای «زیادت و افزونی» می‌باشد و در تجوید عبارت است از: «امتداد صوت در حروف مدّی بیش از مقدار طبیعی».

۱ - رساله عملیه حضرت آیت‌الله وحید خراسانی، (مسأله ۱۰۱۲)
و حضرت آیت‌الله سیستانی، تنها در مدّ لازم فتوا به وجوب داده‌اند. (مسئله ۹۸۹).
۲ - رساله عملیه حضرت آیت‌الله امام خمینی «ره»، مسأله ۱۰۰۳.
۳ - عروة الوثقی، فی احکام القراءه، مسأله ۳۷، (حاشیه ده نفر از فقهاء).

«قصر»، در لغت به معنای: «کوتاهی» و ضدّ مدّ می باشد و در تجوید عبارت است از: «ادای حروف مدّی به اندازه طبیعی و معمولی آن».

حروف و سبب مدّ

برای مدّ، «حروف مدّ» و «سبب مدّ» لازم است.

حروف مدّ: عبارت است از: «الف ساکن ماقبل مفتوح؛ یای ساکن ما

قبل مکسور؛ واو ساکن ماقبل مضموم».

سبب مدّ: عبارت است از «همزه» و «سکون». «تشدید» هم به خاطر

آن که یک حرف ساکن در آن نهفته است، سبب مدّ به حساب می آید.

«حروف مدّی» چنانچه بدون سبب باشد یعنی بعد از آنها، «همزه»

و «سکون» نباشد، «مدّ اصلی» نام دارد و به میزان «دو حرکت»^(۱) که

حداقل کشش حروف مدّی است کشیده می شود، مانند:

عَالَمِينَ - مَعْضُوبٍ - فِي صُدُورِ النَّاسِ

انواع مدّ

مدّی که سبب آن «همزه» باشد بر دو قسم است: «مدّ متصل» و «مدّ

منفصل».

مدّی که سبب آن «سکون» باشد نیز بر دو قسم است: «مدّ لازم» و

«مدّ عارض».

۱ - برای بیان مقدار مدّ، بعضی از زمان تلفظ الف و برخی دیگر از زمان بستن و باز کردن انگشتان دست استفاده می کنند و این برای تقریب به ذهن می باشد. معیار اساسی همان «حرکت» است یعنی زمان تلفظ یک حرف متحرک و این زمان بر اساس انواع قرائت ها «کند، معمولی، تند» متفاوت خواهد بود، هر کس باید قرائت خود را معیار قرار دهد.

مدّ متّصل

«مدّ متّصل»، آن است که «حرف مدّ و همزه در یک کلمه باشد»، و مقدار کشش آن از «چهار تا شش حرکت» می‌باشد، مانند:

مَلَأَكَّةَ - سَيِّئًا - سُوءًا

مدّ منفصل

«مدّ منفصل»، آن است که «حرف مدّ در آخر کلمه و همزه در ابتدای کلمه بعد قرار گیرد» و مقدار کشش آن از «دو تا پنج حرکت» می‌باشد، مانند:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ - وَ هُزِّيَ إِلَيْكَ - تَفْسِطُوا إِلَيْهِمْ

چند نکته

۱- در «مدّ متّصل» همه علمای تجوید و قرائت، بدون استثنا، اتفاق نظر دارند که باید از مقدار طبیعی آن بیشتر کشیده شود (حداقل چهار حرکت) از این رو به آن «مدّ واجب» نیز می‌گویند، یعنی نزد علمای تجوید و قرائت، مدّ آن واجب است، ولی در «مدّ منفصل»، چنین اتفاق نظری وجود ندارد، بعضی از علمای تجوید و قرائت، آن را بدون مدّ نیز اجازه داده‌اند (یعنی همان دو حرکت طبیعی) از این رو به آن «مدّ جایز» نیز می‌گویند.

۲- برای راهنمای قاری قرآن، روی «حروف مدّی» که بعد از آن «سبب مدّ» آمده باشد، علامتی به این شکل «—» قرار داده‌اند.

□ تمرین

أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ
 فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ
 أُولَئِكَ جَزَاءُ هُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ جَنَاتٌ
 يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ
 فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَيِّنَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ
 وَ مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)
 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
 فِيهَا يَأْذِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ (۴) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ (۵)

«پرسش و تمرین»

- ۱ - مد را تعریف نماید؟
- ۲ - سبب مد چیست؟
- ۳ - چه فرقی میان متصل و منفصل می باشد؟
- ۴ - سوره «بینه» را تلاوت و موارد مد متصل و منفصل را مشخص نماید.

درس هشتم:

مدّ و قصر «۲»

مدّ لازم

«مدّ لازم»، مدّی است که «سبب» آن، «سکون ذاتی» باشد.
«سکون ذاتی»، «سکونی است که همیشه جزو کلمه بوده باشد»،
مانند: سکون «حرف لام» در کلمه «ءَالَّانَ» در مقابل سکون عارضی که
جزو کلمه نمی‌باشد و تنها در هنگام وقف ایجاد می‌شود، مانند سکون
«حرف نون» در کلمه «نَسْتَعِينُ» که در هنگام وقف، آن را «نَسْتَعِينُ»
می‌خوانیم.

«مقدار مدّ لازم، شش حرکت می‌باشد».

«سکون ذاتی»، بر دو قسم است: «مُظْهَر» و «مُدَّ غَم».

«سکون مظهر»، سکونی است که به صورت حرف ساکن اظهار شده
(در مقابل حرف ساکنی که در حرف بعد ادغام شده باشد) خوانده
می‌شود، و چون تلفظ «حرف ساکن خفیف» است از این رو به آن «مدّ
لازم مُخَفَّف» نیز می‌گویند، مانند: ءَالَّانَ.

«سکون مُدَّ غَم»، سکونی است که در حرف بعدی ادغام شده و به
صورت حرف مشدّد خوانده می‌شود. و چون تلفظ «حرف مشدّد ثقیل»
است از این رو به آن «مدّ لازم مُثَقَّل» نیز می‌گویند، مانند:
وَلَا الضَّالِّينَ.

مدّ عارض

«مدّ عارض»، مدّی است که «سبب» آن «سکون عارضی» باشد.
 «سکون عارضی»، «سکونی است که بر اثر وقف بر آخر کلمه،
 عارض می‌شود» و جایز است از دو تا شش حرکت کشیده شود، مانند:

بِرَبِّ النَّاسِ در هنگام وقف خوانده می‌شود بِرَبِّ النَّاسِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ در هنگام وقف خوانده می‌شود رَبِّ الْعَالَمِينَ
 سَوْفَ تَعْلَمُونَ در هنگام وقف خوانده می‌شود سَوْفَ تَعْلَمُونَ

مدّ لین

«مدّ لین»، «مدّی است که به جای حروف مدّی، حروف لینه آمده
 باشد».

«لین»، به معنای «نرمی» و عبارت است از: «نرم ادا شدن حرف» و
 صفت دو حرف «واو و یای ساکن ماقبل مفتوح» می‌باشد.
 هرگاه بعد از واو و یای ساکن ماقبل مفتوح، حرف ساکنی قرار گیرد
 (اعم از سکون لازم یا عارض) می‌توان آنها را مدّ و کشش داد که در
 این صورت به آن «مدّ لین» می‌گویند. مانند:

مثال سکون لازم: «عَيْنٌ» در «كَهَيْصَ» و «حَمَّ عَسَقَ».

مثال سکون عارض: «خَوْفٍ» - «خَيْرٌ» - «خَيْرٌ».

میزان کشش مدّ لین، در سکون لازم، شش حرکت و در سکون
 عارض، دو تا شش حرکت می‌باشد.

پادسپاری: مدّ لین، در جایی است که بعد از حروف لینه، حرف ساکنی قرار گیرد، از این رو حق نداریم در «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ»، واو و یای ساکن را مدّ بدهیم، چراکه بعد از آنها، حرف ساکنی نیامده است.

چند نکته

۱- در مجموع دو نوع مدّ داریم:

- ۱-۱ - «مدّ واجب و لازم» که مدّ آن نزد همه علمای تجوید و قرائت، مورد اتفاق است و باید از مقدار طبیعی، بیشتر کشیده شود.
- ۱-۲ - «مدّ جایز» که مدّ آن نزد علمای تجوید و قرائت، مورد اتفاق نمی باشد.

در بعضی از قرآن‌ها، برای راهنمای قاری قرآن، در موارد «مدّ واجب و لازم»، علامت مدّ را به صورت «بزرگ‌تر» و یا «ضخیم‌تر» و در مورد «مدّ جایز»، علامت مدّ را به صورت «کوچک‌تر» و یا «نازک‌تر» آورده‌اند، تا عوام الناس با دیدن نوع علامت مدّ، بتوانند مدّ واجب و لازم را از مدّ جایز تشخیص دهند، مانند:

قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ
قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

۲- در هنگام وقف بر کلمه «وَلَا الضَّالِّينَ» دوتا مدّ داریم، یکی مدّ لازم در الف مدّی «ضالّ» و دیگری مدّ عارضی در یای مدّی «لین»، بعضی از عوام الناس، مدّ اولی را که لازم است (و بعضی از مراجع بزرگوار تقلید به

آن فتوا داده‌اند) نمی‌آورند، ولی مدّ دومی را که جایز است، می‌آورند. باید دقت نمود تا دچار این آفت نشویم.

۳- از نظر علمای تجوید، «توازن در مدّ» شرط است، یعنی مقدار کشش مدها در همه جا باید به یک اندازه باشد، ولی از نظر شرعی، صدق مدّ کافی می‌باشد، یعنی مردم بگویند مدّ داده است و توازن هم شرط نیست، ولی مدّ پیش از مقداری که علمای تجوید بیان کرده‌اند، به طوری که کلمه، تبدیل به کلمه نامفهوم گردد، موجب بطلان نماز می‌شود؛ کاری که بعضی از مؤذنین در مورد مدّ سکون عارضی بر آخر کلمات انجام می‌دهند و تا نفس دارند، حروف مدّی را، کشش می‌دهند.

□ تمرین

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ - إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ
 وَ الْفَتْحُ - تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
 وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى - وَ وَجَدَكَ غَائِبًا فَأَعْنَى
 فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ - وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ
 وَ لَا تَخَاضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ - سُفْعَاءُ
 وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا - وَ الصَّافَاتِ
 إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ مَا يَخْفَى - الْحَاقَّةُ
 مُدْهَمَّتَانِ - فَبَايَ الْأَيِّ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى (۱) اِنْ جَاءَهُ الْاَعْمَى (۲) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي (۳) اَوْ
يَذْكُرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى (۴) اَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى (۵) فَاَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)
وَمَا عَلَيْكَ الْاَلْيَزْكِي (۷) وَاَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸) وَهُوَ يَخْشَى (۹) فَاَنْتَ
عَنْهُ تُلْهِى (۱۰) كَلَّا اِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱) فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ (۱۲) فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ
(۱۳) مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴) بِاَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵) كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶) قَتَلَ الْاِنْسَانَ
مَا اَكْفَرَهُ (۱۷) مِنْ اَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸) مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (۱۹) ثُمَّ
السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰) ثُمَّ اَمَاتَهُ فَاَقْبَرَهُ (۲۱) ثُمَّ اِذَا شَاءَ اَنْشُرَهُ (۲۲) كَلَّا لَمَّا
يَقِضْ مَا اَمْرُهُ (۲۳) فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ اِلَى طَعَامِهِ (۲۴) اِنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا
(۲۵) ثُمَّ شَقَقْنَا الْاَرْضَ شَقًّا (۲۶) فَاَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷) وَعَنْبًا وَقَضْبًا (۲۸)
وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹) وَحَدائقُ غُلْبًا (۳۰) وَفَاكِهَةً وَاَبًّا (۳۱) مَتَاعًا كُفْرًا
وَلَا نَعْلَمُ كُفْرًا (۳۲) فَاِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳) يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اَخِيهِ (۳۴)
وَاُمِّهِ وَاَبِيهِ (۳۵) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶) لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ
يُعْنِيهِ (۳۷) وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹) وَوُجُوهُ
يَوْمَئِذٍ عَلَيَّاهُ عَابِرَةٌ (۴۰) تَرَهَقَهَا فَتْرَةٌ (۴۱) اُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)

«پرسش و تمرین»

- ۱- سبب مدّ لازم چیست؟
- ۲- چه فرقی میان مدّ لازم و عارض می باشد؟
- ۳- مدّ لازم بر چند نوع می باشد؟
- ۴- سوره «مطفّین» را تلاوت و انواع مدّ فرعی آن را مشخص نمایید.

درس نهم:

وقف و ابتداء «۱»

معنای وقف و ابتداء

«وقف» در لغت به معنای «باز داشتن» می‌باشد و در اصطلاح قرائت عبارت است از: «توقف و مکث در آخر کلمات در اثنای تلاوت قرآن، برای تازه کردن نفس به قصد ادامه قرائت». شروع تلاوت پس از وقف را «ابتداء» می‌نامند.

اهمیت وقف و ابتداء در تلاوت قرآن

وقف و ابتدای صحیح آیات و جملات قرآن کریم، دارای اهمیت فراوانی است و چه بسا در اثر توجه نداشتن به آن، معنای آیات، نامفهوم، ناقص و یا دگرگون گردد.

در اهمیت بحث وقف و ابتداء در تلاوت قرآن کریم همین بس که امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، در معنای آیه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا﴾^۱، حفظ و قوف را نیمی از ترتیل قرآن دانسته‌اند: «التَّرتِیلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ بَیانُ الْحُرُوفِ»^۲ و علمای قرائت بر این عقیده می‌باشند: «کسی که محل صحیح وقف در قرآن را نشناسد، قرآن خواندن را نمی‌داند»^۳.

۱ - سوره مزمل، آیه ۴.

۲ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵ و بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳.

۳ - النشر فی قراءات العشر، ج ۱، ص ۲۲۵.

فقهای بزرگوار شیعه، «قرائت نماز» را به صورت «ترتیل» و وقف بر فواصل آیات (پایان هر آیه) را «مستحب» و خواندن حمد و یا توحید را به یک نَفَس «مکروه» می‌دانند.^۱ و رعایت بعضی از مسائل وقف را در نماز، لازم دانسته‌اند.

صاحب حدائق به نقل از علامه محمد تقی مجلسی، حفظ احکام وقف‌ها، به این که «وقف به حرکت و وصل به سکون» ننماید را جزء «ترتیل واجب» بیان کرده‌اند، چرا که نزد همه قُرَّاء و اهل عرب جایز نمی‌باشد.^۲

و از فقهای معاصر، حضرت آیت الله وحید خراسانی (دام عزه) در مسأله ۱۰۱۳ رساله خود می‌فرماید: «احتیاط واجب آن است که در نماز وقف به حرکت ننماید» و حضرت امام خمینی (قدس سره) در مسأله ۱۰۰۴ رساله خود می‌فرماید: «احتیاط مستحب آن است که در نماز وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید»، از این رو بر نمازگزاران و قاریان قرآن لازم است که با مسائل «وقف و ابتدا» آشنا شوند و آن را در نماز و قرائت قرآن، اجرا نمایند.

در رابطه با مبحث وقف، دو مسأله مطرح است:

۱ - انتخاب محل مناسب برای وقف کردن، تا تغییری در معنای آیات به وجود نیاید.

۲ - نحوه وقف کردن بر آخر آیات.

۱ - عروة الوثقی، فی مستحبات القراءة، امر سوم و پنجم و مسأله ۲.

۲ - الحدائق الناظره فی احکام العترة الطاهرة، ج ۸، ص ۱۷۴.

انتخاب محلّ مناسب برای وقف

لازمه شناختن محلّ مناسب برای وقف، آشنایی با ادبیات و معانی کلمات عرب می باشد با توجه به این که اکثر مسلمان ها عرب زبان نمی باشند، علمای علم قرائت، علامت هایی را وضع نموده اند تا راهنمای محلّ مناسب برای وقف کردن باشد؛ علاقمندان به کتاب های تجویدی مراجعه فرمایند.

نحوه وقف کردن بر آخر کلمات

یک قاعده کلی در زبان عرب:

«ابتدا به ساکن و وقف بر متحرک جایز نمی باشد»

در زبان عرب ابتدا به ساکن جایز نمی باشد، از این رو برای خواندن کلماتی که ابتدای آنها ساکن است از الف متحرکی به نام «همزه وصل» کمک می گیرند و آن کلمه را می خوانند؛ (در مبحث ابتدا به آن خواهیم پرداخت).

همچنین در زبان عرب، وقف بر متحرک نیز جایز نمی باشد، از این رو کلماتی که آخرشان متحرک می باشد در هنگام وقف به صورت ساکن می خوانند؛ و این ساکن شدن به دو صورت انجام می پذیرد.

۱- حرکت، حذف و حرف، ساکن می شود، «وقف اسکان»

۲- اضافه بر حذف حرکت، تغییر و تبدیلی نیز صورت می گیرد،

«وقف ابدال».

وقف اسکان

«اسکان» یعنی «ساکن کردن» اگر حرف آخر کلمه، متحرک

« » و یا دارای تنوین کسره یا ضمه « » باشد در هنگام وقف، ساکن « » می‌گردد، مانند:

رَبِّ الْعَالَمِينَ	در هنگام وقف	رَبِّ الْعَالَمِينَ
يَوْمِ الدِّينِ	در هنگام وقف	يَوْمِ الدِّينِ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ	در هنگام وقف	إِيَّاكَ نَعْبُدُ
مِنَ الْفِ شَهْرٍ	در هنگام وقف	مِنَ الْفِ شَهْرٍ
كُفُؤًا أَحَدٌ	در هنگام وقف	كُفُؤًا أَحَدٌ

چند نکته

۱- اگر حرف آخر کلمه، مُشَدَّد باشد در هنگام وقف، ساکن می‌شود ولی تشدید آن باقی می‌ماند و باید با شدت تلفظ شود، مانند:

أَعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيْ	در هنگام وقف	أَعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيْ
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ	در هنگام وقف	وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ
يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ	در هنگام وقف	يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ

۲- اگر حرف آخر کلمه، واو مفتوح و حرف قبل از آن مضموم باشد، در هنگام وقف، ساکن می‌گردد، در نتیجه به صورت واو مدی (واو ساکن ما قبل مضموم) خوانده می‌شود، مانند:

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ در هنگام وقف لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

و همچنین اگر حرف آخر کلمه، یای مفتوح و حرف قبل از آن مکسور باشد در هنگام وقف، ساکن می‌گردد و در نتیجه به صورت یای

مدّی (یای ساکن ماقبل مکسور) خوانده می شود، مانند:

يُبَيِّنُ لَنَا مَا هِيَ در هنگام وقف يُبَيِّنُ لَنَا مَا هِيَ

یادسپاری: در هنگام وقف بر کلماتی که حرف آخرشان واو مشدّد ماقبل مضموم و یای مشدّد ماقبل مکسور می باشد «عَدُوٌّ - نَبِيٌّ» دَقَّتْ شود که تشدید حرف آخر، حتماً آورده می شود «عَدُوٌّ - نَبِيٌّ» و به صورت واو و یای ساکن «عَدُوٌّ - نَبِيٌّ» خوانده نشود.

وقف ابدال

«ابدال» یعنی «تبدیل کردن» اگر حرف آخر کلمه ای تایی گرد (ـه، ة)

باشد در هنگام وقف، تبدیل به های ساکن (هـ - ه) می شود، مانند:

وَ يُؤْتُوا الزَّكْوَةَ در هنگام وقف وَ يُؤْتُوا الزَّكْوَةَ

حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ در هنگام وقف حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ در هنگام وقف قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ

وَفِي الْأَخِرَةِ حَسَنَةً در هنگام وقف وَفِي الْأَخِرَةِ حَسَنَةً

لِكُلِّ هَمَزَةٍ لُمَزَةٍ در هنگام وقف لِكُلِّ هَمَزَةٍ لُمَزَةٍ

عَلَيْهِمْ مُؤَصَّدَةٌ در هنگام وقف عَلَيْهِمْ مُؤَصَّدَةٌ

و همچنین اگر حرف آخر کلمه، دارای تنوین فتحه «ـَ» باشد، در

هنگام وقف، تنوین حذف شده و تبدیل به الف مدّی «ـِ» می شود،

مانند:

تَوَابًا در هنگام وقف تَوَابًا

هُدًى در هنگام وقف هُدًى

عِشَاءً در هنگام وقف عِشَاءً

وقف به حرکت، وصل به سکون

وقف صحیح بر دو رکن استوار است:

- ۱- قطع صدا، برای تازه کردن نَفَس و ادامه قرائت.
- ۲- ساکن کردن حرف آخر کلمه.

اگر قطع صوت، انجام پذیرد ولی حرف آخر، ساکن نشود «وقف به حرکت» خواهد بود و صحیح نمی باشد، و همچنین اگر حرف آخر کلمه، ساکن شود ولی قطع صوت انجام نپذیرد «وصل به سکون» خواهد بود و صحیح نمی باشد. چرا که بر خلاف اصول و قواعد زبان عرب است، از این رو فقهای بزرگوار در رساله های عملیه خود، نمازگزاران را از این کار، بر حذر داشته اند.

حضرت امام خمینی «قدس سره» در مسأله ۱۰۰۴ می فرمایند:

احتیاط مستحب آن است که در نماز «وقف به حرکت و وصل به

سکون» ننماید، و معنی «وقف به حرکت» آن است که زیر یا زبر یا پیش آخر کلمه ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد، مثلاً بگوید «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرَّحِيمِ» را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و معنی «وصل به سکون» آن است که زیر یا زبر یا پیش کلمه ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند، مثل آن که بگوید «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرَّحِيمِ» را زیر ندهد و فوراً «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را بگوید.

«پرسش و تهرین»

- ۱- وقف را تعریف کرده و نحوه وقف کردن بر آخر کلمات را توضیح دهید.
- ۲- سوره های «غاشیه و انشقاق» را تلاوت و بر آخر آیات وقف نمایید.

درس دهم :

وقف و ابتداء « ۲ »

سکت

«سکت» در لغت به معنای «سکوت» و «خاموش شدن» می باشد.
و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: «قطع صوت (به اندازه زمانی دو حرکت) بدون تجدید نفس و ادامه قرائت».
موارد سکت در قرآن، چهار مورد می باشد که در کتاب های تجویدی آمده است.

علت مطرح کردن «سکت» در این جزوه برای این است که بعضی مدعی شده اند: در سوره حمد، هفت جا باید عمل سکت را انجام داد در غیر این صورت، اسم شیطان درست می شود، و در بعضی از قرآن ها، روی این موارد، کلمه «سکت» با خط ریز نوشته شده است.

این مطلب صحیح نمی باشد و در کتاب های علم قرائت نیز نیامده است شاید ذکر آن برای بر حذر داشتن عوام الناس از «خلط و مزج» در قرائت قرآن به خصوص در قرائت سوره حمد باشد، چرا که مردم در نمازهای روزانه با آن سروکار دارند.

در قرائت قرآن، باید دقت نمود که کلمات قرآنی به صورت تقطیع شده و یا حرف آخر کلمه، به حرف اول کلمه بعد وصل نشود، چرا که در این صورت ممکن است فاقد معنا و یا معنای دیگری از آن استفاده شود

که در اصطلاح تجوید به آن «خَلَط و مَزَج» می‌گویند، مانند:

إِنَّ هَذَا این چنین خوانده نشود إِنَّهَا ، ذَا
الْحَمْدُ لِلَّهِ این چنین خوانده نشود الْحَمِّ ، ذُلُّهُ

فقیه بزرگوار، حضرت آیت الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی (رحمت الله علیه) در کتاب عروة الوثقی، به این مطلب اشاره کرده است. (در قرائت قرآن) سزاوار است که کلمات، جدا از هم و تمیز داده شوند، و به نحوی قرائت نشود که از میان دو کلمه، کلمه‌ای مُهْمَل (نامفهوم و بی معنا) تولید بشود.

مثلاً در ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ لفظ «ذُلُّلٌ» و در ﴿لِلَّهِ رَبِّ﴾ لفظ «هَرَبٌ» و در ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ لفظ «كَيُّوٌ» و در ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ لفظ «كَنْعٌ» و در ﴿إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ لفظ «كَنْشٌ» و در ﴿أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ لفظ «تَعٌ» و در ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ لفظ «بِعٌ» تولید شود...

سپس در ادامه می‌فرماید: این همان چیزی است که می‌گویند: «در سورة حمد، هفت کلمه مُهْمَل وجود دارد».^(۱)

بعضی از مراجع تقلید در حاشیه این مسأله فرموده‌اند:

ذکر این مسأله به جز «تولید و سوسه» ثمره‌ای دیگر در بر ندارد.

نمازگزاران عزیز توجه دارند که قرائت قرآن، بر اساس آیه

﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾

۱ - عروة الوثقی، کتاب الصلاة، فی احکام القراءة، مسأله ۵۵.

باید به صورت منظم و شمرده باشد به طوری که حروف و کلمات صحیح ادا شوند، همراه با تدبیر در معانی آیات و از سرعت در قرائت و همچنین مکث میان کلمات پرهیز شود تا نمازها، مورد قبول و باعث تقرّب به درگاه الهی گردد.

ابتداء

«ابتداء» ضدّ «وقف»، به معنای «شروع کردن» و «آغاز کردن» می‌باشد. و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: «شروع مجدد قرائت قرآن بعد از وقف».

ابتداء باید از آیه و یا عبارتی باشد که از نظر لفظ و معنا کامل و موافق با منظور اصلی قرآن باشد.

لازمه شناختن محلّ مناسب برای ابتداء، آشنایی با ادبیات و معانی کلمات عرب می‌باشد، و علمای قرائت، برای ابتداء، (همانند وقف) تقسیم بندهایی را ذکر کرده‌اند؛ علاقمندان به کتاب‌های وقف و ابتداء مراجعه فرمایند. هدف ما در این مبحث، بیان نحوه ابتداء کردن با کلماتی است که با همزه وصل شروع شده باشد.

همزه وصل

تلفظ کلماتی که ابتدای آن‌ها ساکن باشد، مشکل و یا غیر ممکن است، مانند:

لُحْمَدُ - هُدِنَا - دُعُوا

برای سهولت و امکان پذیر شدن تلفظ چنین کلماتی، از الف متحرکی به نام «همزه وصل» کمک می گیرند، مانند:

الْحَمْدُ - أَهْدِنَا - اُدْعُوا

همزه وصل در ابتدای کلام خوانده می شود ولی در وسط دو کلمه، خوانده نمی شود، مانند:

أَهْدِنَا - نَسْتَعِينُ أَهْدِنَا

در مقابل همزه وصل، همزه دیگری است به نام «همزه قطع» که هم در ابتدا و هم در وسط کلام خوانده می شود، مانند:

أَنْعَمْتَ - صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

یادسپاری: علامت گذاری قرآن کریم، بر اساس حالت وصل است، از این رو همزه وصل را بدون حرکت نوشته اند، چرا که همزه وصل در وسط کلام خوانده نمی شود.

برای راهنمای قاری، روی الفی که همزه وصل است، صاد غیر آخر کوچکی روی الف قرار داده اند (آ) تا نشانگر همزه وصل بودن الف باشد.

با توجه به این که همزه وصل را بدون حرکت نوشته اند، بر قاریان قرآن لازم است با نحوه خواندن همزه وصل آشنا شوند تا در هنگام ابتدا، با نحوه خواندن آن آشنا باشند و به این مسأله، فقهای بزرگوار، فتوا داده اند.

«واجب است حذف همزه وصل در وسط کلام، مثل همزه (اللَّهُ) و

(الرَّحْمَنُ) و (الرَّحِيمِ) و (أَهْدِنَا) و اگر آن را بخوانند، (نماز) باطل است، و همچنین واجب است اثبات همزه قطع، مثل همزه (نَعَمْتَ) و اگر آن را حذف کند، (نماز) باطل است»^(۱).

نحوه خواندن همزه وصل در ابتدای کلمات

همزه‌ی وصل در آغاز فعل، اسم و حرف می‌آید.

در حرف: همزه «أل» تعریف همیشه «مفتوح» می‌باشد، مانند:

أَلْحَمْدُ - الرَّحْمَنِ که خوانده می‌شوند أَلْحَمْدُ - الرَّحْمَنِ

در اسماء: همیشه «مکسور» می‌باشد، مانند:

أَسْمُ - أَمْرَأَةٍ که خوانده می‌شوند أَسْمُ - أَمْرَأَةٍ

در افعال: با توجه به دومین حرف بعد از همزه وصل، اگر «مفتوح یا مکسور» بود با «کسره» و اگر «مضموم» باشد با «ضمه» خوانده می‌شود، مانند:

أَقْرَأُ - أَهْدِنَا - أَدْعُوا که خوانده می‌شوند أَقْرَأُ - أَهْدِنَا - أَدْعُوا

مولرد همزه وصل در نماز

اللَّهُ - الصَّلَاةُ - الْفَلَاحُ - الْعَمَلُ - الرَّحْمَنُ

الرَّحِيمُ - الْحَمْدُ - الْعَالَمِينَ - الدِّينِ - أَهْدِنَا

۱ - عروة الوثقى، كتاب الصلاة، فى احكام القراءة، مسأله ۳۸.

الصِّرَاطِ - الْمُسْتَقِيمِ - الَّذِينَ - الْمَعْصُومِ
 الضَّالِّينَ - الصَّمَدِ - الْعَظِيمِ - الْأَعْلَى - الدُّنْيَا
 الْآخِرَةِ - النَّارِ - اللَّهُمَّ - السَّلَامِ - النَّبِيِّ - الصَّالِحِينَ

موارد همزه قطع در نماز

كَبُرَ - أَشْهَدُ - أَنْ - إِلَهَ - إِلَّا - أَنْ - إِبْرَاهِيمَ
 أَنْعَمْتَ - أَحَدٌ - أَعْلَى - أَقْوَمٌ - أَفْعَدُ - أَيُّهَا

«پرسش و تمرین»

- ۱- فرق میان همزه وصل با قطع چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۲- نحوه خواندن همزه وصل در ابتدای افعال را توضیح دهید.
- ۳- سوره «حمد و اعلی» را تلاوت و نحوه خواندن همزه وصل آنها را مشخص فرمایید.

درس یازدهم:

مُحَسِّنَاتِ قِرَائَتِ

در مقدمه متذکر شدیم که بعضی از مُحَسِّنَاتِ تجویدی در تلفظ صحیح حروف، نقش به سزایی دارند و رعایت آنها باعث نیکو و بهتر شدن قرائتِ نماز می‌شود؛ در این قسمت به توضیح بعضی از آنها پرداخته و موارد کاربرد آنها را در نماز و بعضی از سوره‌های کوتاه آورده‌ایم تا نمازگزاران ارجمند، بهتر با آنها آشنا شوند.

لین

«لین» در لغت به معنای «نرمی» می‌باشد و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: «نرم و آسان تلفظ شدن حرف». دو حرف «واو و یای ساکن ماقبل مفتوح» دارای صفت «لین» می‌باشند.

در زبان فارسی، کلماتی مانند: «مولود، اوراق، اوقاف» را به صورت «مُولود، اُوراق، اُوقاف» تلفظ می‌کنیم، در حالی که در اصل «مَوْلود، اَوّراق، اَوّاق» می‌باشند؛ برای تلفظ صحیح آنها در زبان عربی، دو نکته را باید در نظر داشته و رعایت کنیم.

- ۱- حرکت فتحه قبل از واو (به خاطر همنشینی با حرف واو ساکن) متمایل به صدای واو نشود و به صورت «ا» فارسی خوانده نشود.
- ۲- «حرف واو ساکن ماقبل مفتوح» دارای صفت «لین» است و باید آن را به نرمی و روان تلفظ کرد و زمان تلفظش از واو معمولی بیشتر است، (به اندازه یک و نیم حرکت) مانند:

یَوْمٍ - كَوْثُرٍ - تَوَاصُوا - سَوْفَ - لَوْ تَعْلَمُونَ
 اتَوْ - تَوْبَةً - يَنْهَوْنَ - قَوْلًا - اَوْلَادُكُمْ

و همچنین در زبان فارسی، کلماتی مانند: «شیطان، خیرات، ایتام» را به صورت «شِیْطَان، خِیْرَات، اِیْتَام» می خوانیم، در حالی که در اصل «شِیْطَان، خِیْرَات، اِیْتَام» می باشند، برای تلفظ صحیح آنها در زبان عرب، مانند مورد قبل، دو نکته را باید در نظر داشته و رعایت کنیم:

- ۱- حرکت فتحه قبل از یاء (به خاطر همنشینی با حرف یای ساکن) متمایل به صدای حرف یاء نشود و به صورت «ا» فارسی خوانده نشود.
- ۲- «حرف یای ساکن ماقبل مفتوح» دارای صفت «لین» است و باید آن را به نرمی و روان تلفظ کرد و زمان تلفظش از یای معمولی بیشتر است، (به اندازه یک و نیم حرکت) مانند:

شِیْطَان - غَیْرِ - عَلَیْهِمْ - عَلَیْنَا - عَلَیْكُمْ
 رَجُلَیْنِ - اَیْسَ - اِلَیْكُمْ - كَيْفَ - رَأَیْتَهُمْ

□ تمرین

مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ - إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثُرَ
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
 لِيَأْتِيَ الْقَدْرَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ - فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ
 ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ - أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ

قَلْقَلَهُ

«قلقله» در لغت به معنای «اضطراب، جنبش» می‌باشد، و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: «آزاد نمودن و ظاهر کردن صدای حرف^(۱) در هنگام سکون».

حروف قلقله

حروف قلقله عبارتند از: «ب، ج، د، ط، ق» که در عبارت «قُطِبُ جَد» گرد آمده‌اند.

هنگام تلفظ پنج حرف «قُطِبُ جَد» در حالت سکون، صدای حرف در پشت مخرج حبس و کاملاً متوقف می‌گردد، و تنها راه تلفظ، آزاد نمودن صوت از مخرجشان می‌باشد، به این عمل که باعث آزاد نمودن حرف ساکن در مخرج می‌شود را «قلقله» می‌گویند.

۱ - در فارسی وقتی که کلمه‌ای را بخش می‌کنیم و صدای آن را بر می‌شماریم، اضافه بر صدای حرکات، برای حروف به صورت صامت نیز صدای جداگانه‌ای قائل می‌شویم، مثلاً کلمه «سبَد» را می‌گوییم دو بخش است ولی پنج صدا دارد، به این ترتیب «س + ب + د + س» منظور از «ظاهر کردن صدای حرف» در قلقله نیز همان صدای حرف به صورت صامت می‌باشد نه صدای حرکت فتحه، کسره و ضمه.

یادسپاری: قلقله‌ای که در آخر کلمه و در هنگام وقف پدید آید، آشکارتر از موردی است که در وسط کلمه باشد و چنانچه مشدد نیز باشد، قلقله آن از حالت قبل نیز آشکارتر است و باید در قلقله غیر مشدد دقت نمود که به صورت مشدد تلفظ نشود، مانند:

ق : اِفْرَأُ - لَمْ يُخَلِّقْ - خَلَقَ (خَلَقَ) - بِالْحَقِّ (بِالْحَقِّ)
 ط : اِطْعَامٌ - وَلَا تُشْطِطُ - لُوْطٍ (لُوْطٍ) - مُحِيطٌ (مُحِيطٌ)
 ب : حَبْلٌ - فَاَنْصَبْ - كَسَبَ (كَسَبَ) - تَبَّ (تَبَّ)
 ج : اَجْرٌ - فَاخْرُجْ - بُرُوجِ (بُرُوجِ) - فِي الْاَحْجِ (فِي الْاَحْجِ)
 د : لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ - اَحَدٌ (اَحَدٌ) - تَعُدُّ (تَعُدُّ)

غُنَّة

«غُنَّة»، «صوتی است که از خیشوم (فضای بینی) خارج می‌شود».

«غُنَّة» صفت دو حرف «میم» و «نون» می‌باشد چه متحرک باشند و

یا ساکن.

یادسپاری:

۱- «غُنَّة» میم و نون در حالت سکون، آشکارتر و خالص‌تر می‌باشد، چرا که در حالت سکون، تنها از فضای بینی خارج می‌شود اما در حالت متحرک بودن از فضای دهان و بینی بهرمنند می‌شوند.

۲- میم و نون متحرک و ساکنی که اظهار می‌شود، دارای «غُنَّة اصلی»

و ذاتی» است، اما در مواردی این دو حرف دارای «غنة فرعی و زائد» بوده و به میزان دو حرکت، صدا از خیشوم خارج می‌شود.
 ۳- کامل‌ترین حالت «غنه» در صورت «مشدد» بودن این دو حرف می‌باشد، مانند:

مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ - إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ
 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ - إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ
 ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ - ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا
 إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ - فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

□ تمرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا
 كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَامْرَأَتُهُ
 حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ﴿٥﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَكِدْ
 وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ
 شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي
 الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

«پرسش و تمرین»

- ۱- «لین» به چه معناست و حروف آن کدامند؟
- ۲- «قلقله» را معنی کرده و حروف آن را با ذکر مثال بیان کنید.
- ۳- «عنه» به چه معناست و حروف آن کدامند؟
- ۴- سوره «بروج» را تلاوت کرده و قواعد درس را در آنها مشخص فرماید.

درس دوازدهم:

احکام نون ساکن و تنوین

یکی از حروفی که به خاطر کثرت کاربرد در گفتار عرب، نمود بیشتری دارد، «نون ساکن و تنوین» می‌باشد.

نون ساکن و تنوین در برخورد با حروف دیگر، احکام خاصی دارد که در این مبحث به بررسی آنها می‌پردازیم.

لازم به یادسپاری است که این احکام و حالت‌ها، اختصاص به زبان عرب ندارد، در زبان فارسی نیز چنین است و ما در گفتار روزمره خود به طور طبیعی و ناخود آگاه، آن حالت‌ها را به کار می‌بریم، برای نمونه به تلفظ «نون ساکن» در اشعار و مصراع‌های ذیل، توجه فرمایید.

مَن یار مهربانم دانا و خوش بیانم
گویم سخن فراوان با آن که بی‌زبانم

در آن حال پیش آمدم دوستی.

هر دم به لباسی دگر آن یار بر آمد.

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی

این مدعیان در طلبت بی‌خبرانند.

سر من مست جمالت، دل من رام خیالت.

بوسه زن بر خاک آن وادی و مُشکین کن نَفَس. همان گونه که ملاحظه فرمودید، «نون ساکن» در تمامی موارد فوق به صورت یکسان تلفظ نمی‌شود و با توجه به حرف بعد از آن، «دارای حالت‌های زیر» می‌باشد:

۱- **اظهار:** (به صورت طبیعی و آشکار).

۲- **ادغام:** (تبدیل به حرف بعدی شده و به صورت مشدّد خوانده می‌شود).

۳- **اقلاب:** (تبدیل به حرف میم می‌گردد).

۴- **اخفاء:** (در حالتی بین نون ساکن و حرف بعدی تلفظ می‌شود). این حالت‌ها در گفتار روزمره زبان عرب نیز به طور طبیعی و ناخودآگاه جاری می‌شود و رعایت صحیح آنها در قرائت قرآن کریم، بر زیبایی صوت و جذابیت آیات تلاوت شده می‌افزاید، از این رو علمای تجوید، آن حالت‌ها را به صورت قاعده و قانونمند بیان کرده‌اند که به توضیح آنها می‌پردازیم.

لازم به توضیح است که بعضی از فقهای بزرگوار، ادغام نون ساکن و تنوین را در حروف «یرملون» لازم می‌دانند و به آن فتوا داده‌اند.^(۱)

احکام نون ساکن و تنوین

«نون ساکن و تنوین» در مجاورت بیست و هشت حرف زبان عرب، چهار حکم پیدا می‌کند که عبارتند از: «اظهار، ادغام، اقلاب، اخفاء».

۱- رساله عملیه حضرت آیت الله بهجت (رحمت الله علیه) مسأله ۸۲۷.

تنوین و نون ساکنه، حکمش بدان ای هوشیار
 کز حکم آن زینت بود اندر کلام کردگار
 در «یرملون» ادغام کن، در «حرف حلق» اظهار کن
 در نزد «باء» قلب به میم، در «مابقی» اخفا بیار

۱- اظهار

«اظهار» در لغت به معنای «آشکار نمودن» و در اصطلاح قرائت عبارت است از: «تلفظ حرف از مخرج خودش».

هرگاه «نون ساکن یا تنوین» به «حروف حلقی» برسد «اظهار» می‌شود، حرف نون از مخرج خود و به طور عادی و آشکار ادا می‌گردد.

حرف حلقی شش بود ای با وفا

همزه، هاء و عین و حاء و غین و خا

در اظهار نون ساکن و تنوین، توجه به این نکات لازم است:

الف: نون ساکن و تنوین، حرکت به خود نگیرد، «أَنْعَمْتَ»، «أَنْعَمْتَ»

خوانده نشود.

ب: بین نون ساکن و تنوین و حروف حلقی، نباید صوت قطع شود،

«أَنْعَمْتَ»، «أَنْ - عَمْتَ» خوانده نشود.

ج: نون ساکن و تنوین، به سرعت ادا شود و روی آن مکث نشود

(چراکه در این صورت، تشدید به وجود می‌آید)، مانند:

أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ - فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ أَنْحَرْ - مِنْ خَيْرٍ
 كُفُّوا أَحَدٌ - سَلَامٌ هِيَ - فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرٌ مَّمْنُونٍ

مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ - وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ - عَلَيَّ حَكِيمٌ
تُسْقَى مِنْ عَيْنِ أَنْبِيَاءِ - سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

۲- ادغام

«ادغام» در لغت به معنای «فرو بردن» می باشد، و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: «فرو بردن حرفی در حرف دیگر به شکلی که حرف اول تلفظ نشده و به جای آن، حرف دوم مشدد ادا شود». «نون ساکن و تنوین» در شش حرف «یرملون»، «ادغام» می شود و این ادغام در دو حرف «ل،ر»، «بدون غنه» در چهار حرف بقیه «یمون» با «غنه» همراه است، مانند:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
عُقُورٌ رَحِيمٌ - فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ - مَنْ رَحِمَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّيْهَا
فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ - أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ
أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ - جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا
وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ - الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ

۳- اقلاب یا قلب

«اقلاب» در لغت به معنای «دگرگونی و تبدیل کردن» می باشد، و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: «تبدیل کردن نون ساکن و تنوین به حرف میم ساکن».

هرگاه «نون ساکن و تنوین» به حرف «باء» برسد «اقلاب» می‌گردد، و با توجه به این که «میم ساکن» در نزد باء «اخفاء» می‌شود، با «غُنه» همراه می‌باشد، مانند:

مِنْ بَعْدٍ - بِذُنُوبِهِمْ - إِذَا تَبَعَتْ - حِلٌّ بِهَذَا
 كَلَّا لِيُنَبِّدَنَّ فِي الْحُطَمَةِ - وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَعْنَى
 وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ - يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ
 بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ - فَأَنْبِتْنَا فِيهَا حَبًّا - مَشَاءً بِنَمِيمٍ

۴ - «اخفاء»:

«اخفاء»، در لغت به معنای «پوشاندن و مخفی کردن» می‌باشد، و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: «ادای حرف در حالتی بین اظهار و ادغام، همراه با غُنه، به نحوی که حرف بعدی مشدد تلفظ نشود». «نون ساکن و تنوین» در نزد «پانزده حرف باقیمانده»، «اخفاء» می‌شود.

در هنگام شروع اخفاء، زبان بدون این که به محلّ ادای نون برسد، حرف بعدی به محلّ تلفظ خود نزدیک شده، در این حال، صوت به صورت «غُنه» به اندازه دو حرکت ادامه پیدا کرده و آن‌گاه حرف مابقی به سهولت و آسانی تلفظ می‌گردد، مانند:

إِنَّ الْإِنْسَانَ - يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ - فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ
 مُنْفَكِّينَ - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ - عَنْكَ - أَنْقَضَ ظَهْرَكَ

فَأَنْصَبْ - يَتِيمًا فَأَوْى - وَ الْأَثْنَى - مَنْ زَكَّيْهَا
 مَنْ دَسَّيْهَا - أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ
 دَكَّا دَكًّا - صَفًّا صَفًّا - فَلَا تَنْسَى - لَقَوْلُ فَضْلُ

□ تمرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنْ كُلُّ
 نَفْسٍ لَنَا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ
 ذَافِقٍ ﴿٦﴾ يُخْرِجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾
 يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَآلَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾
 وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾ إِنَّهُمْ
 يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَآكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ مَهْلِكُهُمْ رُويًا ﴿١٧﴾

«پرسش و تمرین»

- ۱- نون ساکن و تنوین، نزد حروف، چه احکامی پیدا می کند؟ نام ببرید.
- ۲- نون ساکن و تنوین، نزد چه حروفی ادغام می شوند؟
- ۳- نون ساکن و تنوین نزد چه حرفی قلب به میم می شوند؟
- ۴- سوره «نبا» را تلاوت و احکام نون ساکن و تنوین آن را مشخص فرمایید.

احکام میم ساکن

«میم ساکن» نزد حروف، سه حالت پیدا می‌کند «ادغام، اخفاء، اظهار».

۱- ادغام

«میم ساکن» در حرف «میم» بعد از خود «ادغام» می‌شود؛ بدین معنا که «میم ساکن» خوانده نشده و به جای آن «میم» بعدی مشدد می‌شود و با «غنه» همراه است، مانند:

كَمْ مِنْ كَافِرٍ - وَ هُمْ مُهْتَدُونَ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ

۲- اخفاء

«میم ساکن» قبل از حرف «باء»، «اخفاء» می‌گردد و با «غنه» همراه است؛ در هنگام اخفای میم، لب‌ها را به هم نزدیک می‌کنیم به حدی که فاصله اندکی بین دو لب موجود باشد در این حالت صوت با حالت غنه و به میزان دو حرکت کشیده می‌شود، مانند:

اَنْتُمْ بِهِ - رَبِّهِمْ بِهِمْ - عَلَيْنَكُمْ بِوَكِيلٍ - كَلْبُهُمْ بِاسِطٍ
هُمْ بِدُوْكُمْ - اَنْهُمْ بِادُونَ - بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ - تَأْتِيهِمْ بِغَتَّةٍ

۳ - اظهار

«میم ساکن» در نزد «بقیه حروف» (غیر از میم و باء)، «اظهار» می‌گردد.

در هنگام اظهار حرف میم باید دقت نمود که حرکت نگرفته و روی آن مکث نیز نشود. بدیهی است که این حالت (اظهار) نزد دو حرف «فاء» و «واو» کاربرد بیشتری داشته و نیاز به دقت زیادی دارد تا میم ساکن در فاء، اخفاء و در واو، ادغام نشود.

بدین منظور پس از تلفظ میم، بدون این که صوت قطع گردد و یا لب‌ها به شدت از یکدیگر جدا شوند، لب‌ها با ظرافت به حالت ادای دو حرف «فاء» و «واو» در می‌آیند، مانند:

لَكُمْ فِيهَا - يَمُدُّهُمْ فِي - تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ
 أَمْوَالَهُمْ - بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونَ - أَبَاؤَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ

□ تمرین

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - جَاءَهُمْ مُوسَى - أَتَيْكُمْ مِنْهَا
 رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ - فَهُمْ مُّقْتَحُونَ - أَنْكُمْ مُلَاقُوهُ
 بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ - أَمْ بِهِ جِنَّةٌ - بَعْضُكُمْ بَعْضًا
 هُمْ وَ أَرْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ - مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ
 امْتَنُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونَ - أَنْتُمْ إِلَيْهِمْ لَّا يَرْجِعُونَ

جمع بندی موارد غُنه

در درس‌های گذشته با «صفت غُنه» و موارد آنها آشنا شدید؛ ولی چون رعایت این صفت در قرائت قرآن کریم، بسیار مهم می‌باشد، از این رو به «جمع بندی موارد غُنه» می‌پردازیم تا ضمن یادآوری مطالب گذشته، با این صفت و کاربرد آن در قرآن، بهتر آشنا شویم.

«غُنه»، صفت ذاتی دو حرف «میم و نون» می‌باشد و این دو حرف در هر حالتی، دارای این صفت می‌باشد.

میم و نون متحرک و ساکنی که اظهار می‌شود، «غُنه طبیعی» دارد ولی در موارد ذیل، دو حرف میم و نون دارای «غُنه غیر طبیعی» بوده و به میزان دو حرکت، صدا از خیشوم خارج می‌شود.

- ۱- میم و نون مشدّد.
- ۲- ادغام میم ساکن در میم.
- ۳- ادغام نون ساکن و تنوین در چهار حرف «ینمو».
- ۴- اخفاء میم ساکن نزد حرف «باء».
- ۵- اقلاب نون ساکن و تنوین نزد حرف «باء».
- ۶- اخفاء نون ساکن و تنوین نزد پانزده حرف مابقی.

یادسپاری: «کیفیت غُنة»^۱ در موارد مذکور از شدت به ضعف دارای سه مرحله بدین قرار می‌باشد:

«مرحله اول» عبارت است از «غُنة»:

۱ - «میم» و «نون» مشدّد.

۲ - ادغام «میم» در «میم».

۳ - ادغام «نون ساکن و تنوین» در «میم» و «نون»، (ادغام کامل با غُنة)، مانند:

فَأُمَّهُ هَآوِيَةٌ - مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ - ثُمَّ لَتَرَوْهَا
 أَصْحَابُ النَّارِ - إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّصَدَّةٌ - ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ
 إِنَّ شَانِئَكَ - حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ - إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ
 رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً - خَيْرٌ مِنْ آلِفٍ

«مرحله دوم» عبارت است از «غُنة نون ساکن و تنوین» که در «واو» و «یاء» ادغام شود (ادغام ناقص)، مانند:

فَمَنْ يَعْمَلْ - مَا لَأَ - وَعَدَدَهُ - سَيَدَّكُرُ مَنْ يَخْشَى
 قُلُوبٌ يَوْمِيذٍ وَاجْفَةٌ - يَوْمِيذٍ يَصُدُّرُ النَّاسِ

۱ - مقصود از کیفیت غُنة، شدت و ضعف آن می‌باشد و آلا مقدار کشش غُنة در کلیه موارد یکسان و به اندازه دو حرکت می‌باشد، مانند: «أُنْسٌ = أناس»، زمان غُنة نون اخفاء شده در «أُنْسٌ» به اندازه زمان تلفظ الف مدی در «أناس» می‌باشد.

«مرحله سوم» که غنه آن در مرتبه کمتری می باشد، عبارت است از
 «غنه»:

۱- اخفاء «میم» در «باء».

۲- اقلاب «نون ساکن و تنوین» در «باء».

۳- اخفاء «نون ساکن و تنوین» در «پانزده حرف مابقی» مانند:

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ - وَبَرًّا بِوَالِدَتِي - يَوْمَئِذٍ بِجَنَّةٍ
 يَعْتَصِمُ بِاللَّهِ - نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ - عَلَيْهِمْ جَبَابِرٌ
 جَنَّتْ تَجْرِي - فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ - رَسُولٌ كَرِيمٌ
 ضَالًّا فَهْدَى - نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ - فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ

□ تمرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱) وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲) وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ
 (۳) قُلْ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۴) النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ (۵) إِذْ هُمْ عَلَيْهَا
 قُعُودٌ (۶) وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷) وَمَا نَقَمُوا
 مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸) الَّذِي لَهُ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹) إِنَّ الَّذِينَ
 فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ

عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
 جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ
 رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ هُوَ يَدِي وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾
 ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَعَالٌ لِمَ يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلْ أَنْتَ حَدِيثُ الْجُنُودِ
 ﴿١٧﴾ فِرْعَوْنُ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ مِنْ
 وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

«پرسش و تمرین»

۱- «میم ساکن» نزد حروف چه احکامی دارد؟ با ذکر مثال برای هر

مورد.

۲- در چه موردی از احکام میم ساکن با «عُتَه» همراه است.

۳- موارد «عُتَه» را نام ببرید.

۴- کدام یک از موارد عُتَه پایین‌ترین حالت عُتَه را دارا می‌باشند؟

۵- سوره «مطففین» را تلاوت و مواد عُتَه آن را مشخص نمایید.

درس چهاردهم:

خلاصه اذکار نماز

در پایان یادآوری این نکته لازم است که، آنچه در نماز خوانده می‌شود و یادگرفتن تلفظ صحیح آنها لازم است، تنها بیست جمله می‌باشد، پس هرگز یادگیری نماز را دشوار ندانیم و این دستور زندگی از اسلام را کوچک نشماریم بلکه با چند ساعت صرف وقت و چند مرتبه تکرار این جملات، به آسانی می‌توان نماز را فراگرفت. برای توجه بیشتر، با حذف جمله‌های تکراری، بیست جمله واجب نماز را یادآور می‌شویم:

۱ - اللَّهُ أَكْبَرُ

۲ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳ - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۴ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵ - مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

۶ - إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

- ۷- إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
- ۸- صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
- ۹- غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ
- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (تکراری)
- ۱۰- قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
- ۱۱- اللَّهُ الصَّمَدُ
- ۱۲- لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
- ۱۳- وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
- ۱۴- سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
- ۱۵- سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ
- ۱۶- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
- ۱۷- وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
- ۱۸- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
- ۱۹- سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
- ۲۰- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

بعضی از اذکار مستحبی

- ۱- در رکعت اول، پیش از خواندن حمد گفتن: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».
- ۲- پس از برخاستن از رکوع، گفتن: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».
- ۳- بعد از سجده اول، گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»
- ۴- در سجده دعا کردن و از خدا حاجت خواستن و این دعا را خواندن: «يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ أَرْزُقْنِي وَ أَرْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»
- ۵- در پایان هر رکعت و هنگام برخاستن برای رکعت بعد، گفتن: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ»
- ۶- پیش از تشهد، گفتن: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و یا گفتن «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ».
- ۷- بعد از تمام شدن تشهد، گفتن: «وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ أَرْفَعْ دَرَجَتَهُ».
- ۸- بعد از تشهد و قبل از سلام واجب، گفتن: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».
- ۹- در قنوت گفتن هر ذکری کافی است، اگر چه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد و بهتر است گفتن: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۱۰ - بعد از خواندن سوره «قل هو الله احد» وگفتن یک، یا دو، یا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».

در پایان به عنوان حُسن ختام توجّه شما را به یکی از سفارشات امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام درباره اهمیت نماز که همواره یارانش را به آن توصیه می فرمود، جلب می نمایم:

تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا، وَ اسْتَكْبَرُوا مِنْهَا، وَ تَقَرَّبُوا بِهَا، فَإِنَّهَا ﴿كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا﴾ أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾. وَ إِنَّهَا لَتَحْتُ الذُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ، وَ تُطْلِفُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ، وَ شَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالْحَمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ، فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ؟ وَ قَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رِجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ، وَ لَاقِرَّةُ عَيْنٍ مِنْ وَلَدٍ وَ لَأَمَالٍ. يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَابِيعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ﴾. وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَصَبًا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْجَنَّةِ، لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾، فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَ يَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ^(۱).

نماز را به پا دارید؛ محافظت آن را بر عهده گیرید، زیاد به آن توجه کنید و فراوان نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرب جوئید، زیرا نماز **«به عنوان فریضه واجب در اوقات مختلف شبانه روز بر مؤمنان مقرر شده است»**؛ مگر به پاسخ دوزخیان در برابر این پرسش که **«چه چیز شما را به دوزخ کشانیده است»** گوش فرا نداده‌اید که می‌گویند: **«ما از نمازگزاران نبودیم...»** (۱)

نماز، گناهان را همچون برگ‌های پائیزی می‌ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن‌ها می‌گشاید.

پیامبر ﷺ «نماز را به چشمه آب گرمی که بر درب خانه کسی باشد و شبانه روزی پنج بار خود را در آن شستشو دهد تشبیه کرده است» که بدون تردید چرک و آلودگی در بدن چنین کسی باقی نخواهد ماند! گروهی از مؤمنان که زینت و متاع این جهان، و چشم روشنی آن یعنی فرزندان و اموال، آنان را به خود مشغول نداشته، حق نماز را خوب شناخته‌اند؛ خداوند سبحان می‌گوید: **«مردانی هستند که تجارت و داد و ستد، آنان را از یاد خدا، و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.»** (۲)

رسول خدا ﷺ بعد از بشارت به بهشت، خویش را در مورد نماز به تعب و مشقت انداخته بود، زیرا خداوند به او فرموده بود: **«خانواده»**

۱ - سوره مدثر، آیه ۴۲ و ۴۳.

۲ - سوره نور، آیه ۳۷.

خویش را به نماز فرمان ده، و در برابر آن شکیباً باش»^۱، لذا آن حضرت پی در پی اهل بیت خود را به نماز امر می‌کرد و خود نیز در انجام آن شکیبائی داشت.